



معاونان پیشین ریاست جمهوری

و چهره‌های سیاسی:

اگر مورد حمله قرار بگیریم،

رهبری دولت مسئول است

اطلاعات روز: شماری از معاونان پیشین ریاست جمهوری و چهره‌های سیاسی کشور در فیصله‌نامه‌ای از تصمیم حکومت منبی بر...

صفحه ۲

خود را معزول می‌پندارم | طنز

صفحه ۴

واکنش سازمان بهداشت جهانی

و کوآکس به سخنان رهبر ایران:

«واکسن را سیاسی نکنید»

صفحه ۶

یک حبس ابد خانگی

اگر به جای من دختری در روستای دور افتاده‌ای
در لوگر می‌بودید چه می‌کردید؟



صفحه ۸

یادداشت روز

یا آتش بس یا هیچ چیز دیگر

هیأت‌های مذاکره‌ای دولت افغانستان و طالبان دیروز روی تعیین اجندا بحث را آغاز کردند. این که دو طرف روی چه موضوع‌هایی به توافق می‌رسند، هنوز روشن نیست. بر مبنای گفته‌های اعضای هیأت افغانستان در کابل تقسیم قدرت، آینده سیاسی افغانستان و مسأله‌ی آتش بس به عنوان اجندای احتمالی مذاکرات روزهای آینده مطرح خواهد شد. از نظر افغانستان مسأله‌ی برقراری آتش بس مهم‌ترین موضوعی است که باید به آن پرداخته شود. سخن گوی هیأت افغانستان همزمان با سفر به قطر برای شروع دور دوم مذاکرات به صراحت اعلام کرد که مسأله‌ی تن دادن طالبان به کاهش خشونت و آتش بس در صدر خواسته‌های جانب افغانستان قرار دارد. در واقع نیز اگر از مردم افغانستان پرسیده شود، آتش بس و توقف جنگ خواست همگانی است. اما طالبان مسأله‌ی آتش بس را موکول کرده به توافق روی بسیاری از مسائل دیگر. در فهرست پیشنهادی طالبان در دور اول، روی اجندای دور دوم مذاکرات، این گروه مسأله‌ی آتش بس را به عنوان آخرین چیز که روی آن حاضر به توافق است، قرار داده است...

۲

غنی:

انتقال قدرت از طریق اراده‌ی مردم هدف اساسی من است



صفحه ۲

روند تأیید شناسنامه‌های کاغذی متوقف می‌شود

اطلاعات روز: اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات کشور می‌گوید که خدمات تأییدی شناسنامه‌های کاغذی را سر از روز دوشنبه (۲۲ جدی) توقف می‌دهد و پس از آن هیچ نوع شناسنامه را تأیید نمی‌کند...

صفحه ۲

سه نفر در پیوند به قتل یوسف رشید بازداشت شدند



صفحه ۲

ترجمه

آذربایجان چگونه در جنگ قره‌باغ پیروز شد؟

ایران در آن باهم روبه‌رو می‌شوند. ناگورنو-قره‌باغ ولایتی است که نامش مصداق منافع درهم‌تنیده کشورهای می‌باشد که دیربست بر سر کنترل و نفوذ بر آن باهم رقابت می‌کنند. ناگورنو-قره‌باغ نامی است که از ترکیب واژه‌های اسلاوی، ترکی و فارسی به وجود آمده. و گرچه آذربایجان مطمئناً ذینفع اصلی کارزار موفقیت‌آمیزش برای بازپس‌گیری سرزمینی است که | صفحه ۴

تولیش



در جست‌وجوی ریشه‌های منازعه نقد و رونمایی کتاب ژئوپلیتیک و منازعه افغانستان

«منازعه جاری در افغانستان یک مسأله جدی است که همه روزه در قالب‌های مختلف به امنیت و ثبات کشور آسیب می‌رساند؛ اما این مسأله از منظر | صفحه ۵

طالبان همسر یک سرباز ارتش را در سرپل کشتند



صفحه ۲

تولیش

حماسه تحول در جنگ و روند صلح نپال

تبدیل درگیری به صلح یکی از نگرانی‌های عمده جهانی در قرن بیست و یکم بوده است. نپال از سال ۲۰۰۶ به این طرف به روشی منحصر به فرد درگیر روند صلح‌سازی است. دیندرا پراساد ادیکاری، پژوهشگر حوزه صلح، امنیت و برابری جنسیتی در مقاله‌ای زیر عنوان «حماسه تحول در جنگ و روند صلح نپال: یک حساب منحصر به فرد» که توسط دانشگاه کتماندو به نشر رسیده، تلاش نپال برای حل درگیری مسلحانه را الگوی بی‌نظیر در ادبیات حل منازعه و صلح می‌داند. وی در این مقاله پیش‌زمینه جنگ در نپال و پیامدهای آن، روند صلح و بازیگران دخیل در جنگ و صلح را به بررسی گرفته که به شرح زیر است:

زمینه و پیامدهای درگیری مسلحانه در نپال نپال تا اوایل دهه ۱۹۹۰ به‌طور سنتی توسط نظام سلطنتی اداره می‌شد. پس از جنبش موفقیت‌آمیز مردمی به رهبری احزاب سیاسی...

۳

بسته‌های ویژه اینترنتی برای
بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



ادامه‌یادداشت‌روز

طالبان به آتش‌بس به‌عنوان یک امر استراتژیک می‌بینند.
اصرار طالبان بر ادامه‌ی جنگ سه دلیل اصلی دارد: اول، طالبان به دنبال استفاده ابزاری از جنگ برای امتیاز در میز مذاکرات است. اگر جنگ به‌عنوان یک ابزار از طالبان گرفته شود، روایت این گروه در میز مذاکرات ضعیف می‌شود. تا کنون روشن شده است که طالبان هیچ طرحی برای آینده سیاسی افغانستان ندارد. تأکید بر نظام خالص اسلامی تنها چیزی که طالبان آن را به زبان می‌آورد. طرحی مبهم و گنگ است که هیچ شاخصی برای فهم آن وجود ندارد. اگر منظور طالبان از نظام خالص اسلامی همان حکومت دهه‌ی ۷۰ این گروه باشد که با نام امارت اسلامی شناخته می‌شد، آن‌قدر کارنامه سیاه و ناکام دارد که اکنون حتا برای خود طالبان نیز چنین نوع نظام قابل قبول نیست. دوم، یک برداشت از اصرار طالبان بر ادامه جنگ این است که این گروه مسأله‌ی آتش‌بس را به‌عنوان یک بدیل در مقابل حکومت موقت نگهداشته است. هرچند این چیزی است که هنوز شواهدی کافی برای آن وجود ندارد، اما انتباه بسیاری از کسانی که شناختی از طالبان دارند، همین است. بعید نیست که طالبان در مقابل اصرار جمهوری اسلامی افغانستان بر سازوکار آتش‌بس، مسأله‌ی حکومت وقت را طرح کند. سوم، یک دلیل اصلی طالبان بر ادامه خشونت، از اختلاف داخلی این گروه ناشی می‌شود. دیگر افتایی شده است که رهبران نظامی و سیاسی طالبان توافق نظر ندارند. پیامد این اختلاف ناتوانی طالبان در عمل از برقراری آتش‌بس بلندمدت است. برای همین اصرار بر ادامه جنگ نوع لاپوشانی رهبران سیاسی طالب از اختلاف داخلی و ناتوانی در بر قراری آتش‌بس بلندمدت است.

مردم منتظر توافق روی برقراری آتش در اسرع وقت در دور دوم مذاکرات است. همزمانی جنگ و مذاکرات تنها برای طالبان ممکن سود داشته باشد، برای مردم افغانستان ادامه این وضعیت باخت است. تاکنون هرچه که مذاکرات جدی‌تر شده، طالبان بر شدت جنگ افزوده است. در سه ماه گذشته که هیأت‌های مذاکراتی دو طرف زیر سقف‌های مجلل هتل شرایتون در دوحه مصروف مذاکره بودند، در افغانستان هر شام و سحر نان مردم افغانستان به خون تر بود. واقع‌بینانه این است که پیش از توافق روی هرچیزی، طالبان باید مسأله‌ی آتش‌بس را قبول کنند. این کار از یک طرف خواست مردم افغانستان است و از طرف دیگر، با روح مصالحه هم‌خوانی دارد. آتش‌بس مذاکرات صلح را امعنادار می‌کند. تجربه بسیاری از مذاکراتی که به صلح منجر شده همین است. اگر جای دور نرویم، در توافق امریکا با طالبان، تا زمانی که طالبان متعهد به توقف خشونت نشد، مذاکرات شکست خورد، اما زمانی که طالبان توقف جنگ با امریکا را پذیرفتند، دو طرف به توافق رسیدند.

در داخل افغانستان رییس‌جمهور غنی و تیم ارگ زیاد با روند جاری صلح موافق نیست. تقریبا روشن شده است که آقای غنی پیدا و پنهان با روند جاری مخالفت کرده است و بر سر راه صلح پیچیدگی ایجاد کرده است. دست‌کم به اقداماتی که منجر به پیشرفت روند صلح شده، زیر فشارهای داخلی، بیرونی و افکار عمومی تن داده است.

طالبان همسر یک سرباز ارتش را در سرپل گُشتند

اطلاعات روز: مسئولان امنیتی در ولایت سرپل تأیید می‌کنند که جنگ‌جویان گروه طالبان همسر یک سرباز ارتش محلی را در ولسوالی سوزمه‌قلعه‌ی این ولایت به قتل رسانده‌اند.
نورآغا فیضی، سخن‌گوی فرماندهی پولیس سرپل به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد دو شب پیش (جمعه، ۱۹ جدی) در روستای «نادرآباد» ولسوالی سوزمه‌قلعه رخ داده است.
آقای فیضی از این زن به نام «لیلا» نام برده، افزود که او ۴۰ سال سن داشته و توسط طالبان در خانه‌اش به قتل رسیده است.
او تأکید کرد که شوهر زن کشته‌شده عضو ارتش محلی در ولسوالی سوزمه‌قلعه است.
گروه طالبان هنوز در این مورد چیزی نگفته است.
ولایت سرپل در شمال کشور از ولایت‌های نامن است که جنگ‌جویان گروه طالبان در بخش‌هایی از این ولایت از جمله ولسوالی سوزمه‌قلعه حضور و فعالیت گسترده دارند.

اطلاعات روز: همزمان با مطرح‌شدن حکومت موقت توسط شماری از چهره‌های سیاسی، رییس‌جمهور غنی می‌گوید که انتقال قدرت از طریق اراده‌ی مردم به جانشین منتخبش از اهداف اساسی او است.

آقای غنی این موضوع را در یک مصاحبه‌ی اختصاصی با شبکه‌ی تلویزیونی «سی‌ان‌ان» مطرح کرده است. او گفته است که انتقال قدرت از طریق اراده‌ی مردم برای «ارج‌گذاشتن به قربانی‌های غیرنظامیان، فعالان و دیگر اقشار جامعه» از اهمیت ویژه برخوردار است.

از سویی هم، او در پاسخ به پرسش‌های مربوط به روند صلح افزوده است که جامعه‌ی افغانستان خواهان برگشت به گذشته نمی‌باشد و این جامعه هم جامعه‌ای

نیست که رویکرد و طرز فکر طالبان بر آن

تحمیل شود.

رییس‌جمهوری کشور تأکید کرده است که افغانستان خواهان صلح مثبت است تا همه‌ی باهم بر گذشته غالب شوند و در کنار هم افغانستان را آباد کند. او افزوده است که پیام دور دوم مذاکرات نیز این است که مذاکره‌کنندگان بتوانند روی یک افغانستان مستقل، دموکراتیک، متحد و در صلح با خود منطبقه توافق کنند.

به گفته‌ی رییس‌جمهور غنی، در صورتی که این هدف به دست آید، افغانستان به جلو گام بر می‌دارد، اما اگر هدف طالبان از مذاکرات صلح، تسلط بر روند صلح باشد، این صلح عواقب ناگواری در پی خواهد داشت.

آقای غنی همچنان بااشاره به تلفات غیرنظامیان و نظامیان امریکایی در دو دوره‌ی ریاست‌جمهوری‌اش گفته است که از سال ۲۰۱۵ میلادی که او رییس‌جمهور شده، ۹۸ نیروی امریکایی کشته شده‌اند. همچنان به گفته‌ی او، در این مدت، بیش از ۴۰ هزار نظامی و غیرنظامی نیز کشور نیز جان باخته‌اند.

این درحالی است که دور دوم مذاکرات صلح با گروه طالبان روز چهارشنبه‌ی هفته‌ی گذشته (۱۷ جدی) طی یک نشست

مقدماتی آغاز شد.

در پی آن هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان و محمدنعیم، سخن‌گوی هیأت مذاکره‌کننده‌ی گروه طالبان اعلام کردند که دو طرف در این نشست فیصله

سه نفر در پیوند به قتل یوسف رشید بازداشت شدند

از سویی هم، امرالله صالح، معاون نخست ریاست‌جمهوری کشور در یک یادداشت فیس‌بوکی گفته است که افراد بازداشت‌شده به‌صورت مستقیم در ترور یوسف رشید دست داشته‌اند. یوسف رشید و راننده‌ی او که پسر کاکایش نیز بود، در تاریخ ۳ جدی در نتیجه‌ی تیراندازی افراد مسلح در ساحه‌ی «تنی‌کوت»، از مربوطات ناحیه‌ی هفتم شهر کابل کشته شدند. هنوز مسئولیت این حمله را شخص و یا گروهی بر عهده نگرفته است. این حمله با واکنش‌های گسترده‌ی داخلی و بین‌المللی مواجه شد.

معاونان پیشین ریاست‌جمهوری و چهره‌های سیاسی:

اگر مورد حمله قرار بگیریم، رهبری دولت مسئول است

با حکومت افغانستان قابل حل است و به همین خاطر آن فیصله‌نامه را امضا نکرده است.

پاسخ شورای امنیت ملی به آنان: برای استخدام محافظ بیشتر به تصدی محافظت عامه پول بدهید
ساعاتی پس از رسانه‌ای‌شدن این فیصله‌نامه‌ی شماری از معاونان پیشین ریاست‌جمهوری و چهره‌های سیاسی کشور، دفتر شورای امنیت ملی می‌گوید که اقدامات لازم را برای رفع نگرانی‌های امنیتی این افراد انجام داده است.

رحمت‌الله اندر، سخن‌گوی دفتر شورای امنیت ملی دیروز (شنبه، ۲۰ جدی) در یک پیام ویدیویی گفته است که این دفتر فیصله‌نامه‌ی آنان را دریافت کرده و اجراءات لازم برای امنیت «بزرگان جهادی و سیاسی» صورت گرفته است. او افزوده است: «امنیت فزیکی آنان (شماری از معاونان پیشین ریاست‌جمهوری و چهره‌های سیاسی) تأمین است.»

از سویی هم، آقای اندر تأکید کرده است که

نامه به اطلاع شما (رییس‌جمهور غنی) می‌رسانیم که در صورت وقوع هرگونه‌ی حادثه‌ی تروریستی بر جان معاونین پیشین ریاست‌جمهوری و رهبران احزاب جهادی که این قطع‌نامه را امضا کرده‌اند، رهبری دولت مسئول و پاسخ‌گو خواهد بود.»

در همین حال، این مقام‌های پیشین حکومتی و چهره‌های سیاسی از حکومت افغانستان خواسته‌اند که برای جلوگیری از تهدیدات امنیتی، تشکیل محافظان مقام‌های برجسته‌ی پیشین حکومتی و رهبران سیاسی را همانند گذشته حفظ کند. در این فیصله‌نامه که در تاریخ ۴ قوس به امضا رسیده است، نام‌های عبدرب الرسول سیاف و گلبدین حکمتیار نیز ذکر شده، اما آنان آن را امضا نکرده‌اند.

منابع نزدیک به شماری از چهره‌هایی که این نامه را امضا کرده، به روزنامه اطلاعات روز می‌گویند که عبدرب الرسول سیاف به‌دلیل اینکه موضوع کاهش محافظانش توسط حکومت حل شده، آن را امضا نکرده است. به گفته‌ی آنان، گلبدین حکمتیار نیز گفته که موضوع امنیتش در توافق‌نامه‌ی او

خبرهای داخلی

غنی:

انتقال قدرت از طریق اراده‌ی مردم هدف اساسی من است

کرده‌اند تا تیم‌های تعیین‌شده برای بحث در مورد موضوعات شامل آجندا، امروز کار خود را آغاز کنند.

مذاکرات صلح میان دولت افغانستان و گروه طالبان در ۲۲ سنبله‌ی سال جاری در دوحه گشایش یافت و در تاریخ ۲۲ قوس برای ۲۰ روز متوقف شد.

در دور نخست این مذاکرات که حدود سه ماه زمان گرفت، هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان روی طرزالعمل مذاکرات به توافق رسیدند.

هیأت‌های دو طرف پس از توافق روی طرزالعمل، به‌منظور مشورت‌های بیشتر روی آجندای مذاکرات، به توقف سه هفته‌ای مذاکرات توافق کردند.

در چگونگی تأمین امنیت بزرگان جهادی و سیاسی اصلاحاتی اعمال شده که سبب جلوگیری از مصرف ۲.۴ میلیارد افغانی شده است. به گفته‌ی او، قبل از این اصلاحات، حکومت افغانستان برای تأمین امنیت آنان چهار میلیارد افغانی پرداخت می‌کرد.

اکنون اما سخن‌گوی دفتر شورای امنیت ملی گفت که این مصرف به ۱.۲ میلیارد افغانی کاهش یافته است.

از سویی هم، او گفت که در نتیجه‌ی این اصلاحات در شمار محافظان بزرگان جهادی و سیاسی تغییراتی به‌میان نیامده است. رحمت‌الله اندر به عنوان نمونه گفت که محمدکریم خلیلی، معاون پیشین ریاست‌جمهوری ۱۲۵ محافظ، محمد محقق، معاون پیشین ریاست اجرائیه، ۱۵۰ محافظ و عبدالرشید دوستم، معاون پیشین ریاست‌جمهوری نیز ۱۸۰ محافظ دارند. در همین حال، آقای اندر گفت که اگر بزرگان جهادی و سیاسی می‌خواهند محافظان بیشتر داشته باشند، می‌توانند با مصارف شخصی‌شان از تصدی ملی محافظت عامه محافظ استخدام کنند.

روند تأیید شناس‌نامه‌های کاغذی متوقف می‌شود

در خبرنامه همچنان از شهروندان کشور خواسته شده است که از تاریخ ۲۲ جدی به بعد، جهت تأیید شناس‌نامه‌های‌شان به مراجع ثبت احوال نفوس در کشور مراجعه نکنند.
با این حال، اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات کشور افزوده است در صورتی که ادارات دولتی و سایر مراجع در شناس‌نامه‌های تابعیت اعلام «جعل» و «تذویر» را مشاهده کنند و یا هم شناس‌نامه‌ی تابعیت «مشکوک» به نظر برسد، این اداره در روشنایی قانون ثبت احوال نفوس از صحت و سقم آن معلومات ارایه می‌کند.

وزارت خارجه‌ی افغانستان برای جلب حمایت از صلح، کارزار دیپلماتیک را آغاز کرد

در مورد موضوعات شامل آجندا، امروز کار خود را آغاز کنند.
مذاکرات صلح میان دولت افغانستان و گروه طالبان در ۲۲ سنبله‌ی سال جاری در دوحه گشایش یافت و در تاریخ ۲۲ قوس برای ۲۰ روز متوقف شد.

در دور نخست این مذاکرات که حدود سه ماه زمان گرفت، هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان روی طرزالعمل مذاکرات به توافق رسیدند.

هیأت‌های دو طرف پس از توافق روی طرزالعمل، به‌منظور مشورت‌های بیشتر روی آجندای مذاکرات، به توقف سه هفته‌ای مذاکرات توافق کردند.

او تأکید کرده است که صحبت‌های وزیر خارجه‌ی کشور با وزیران خارجه‌ی کشورهای «مهم و کلان» همچنان ادامه می‌یابد.

فاطمه فرامرزی

گزارشگر

تبدیل درگیری به صلح یکی از نگرانی‌های عمده جهانی در قرن بیستویکم بوده است. نپال از سال ۲۰۰۶ به این طرف به روشی منحصر به فرد درگیر روند صلح‌سازی است. دیندرا پراساد ادیکاری، پژوهشگر حوزه صلح، امنیت و برابری جنسیتی در مقاله‌ای زیر عنوان «حماسه تحول در جنگ و روند صلح نپال: یک حساب منحصر به فرد» که توسط دانشگاه کتماندو به نشر رسیده، تلاش نپال برای حل درگیری مسلحانه را الگوی بی‌نظیر در ادبیات حل منازعه و صلح می‌داند. وی در این مقاله پیش‌زمینه جنگ در نپال و پیامدهای آن، روند صلح و بازیگران دخیل در جنگ و صلح را به بررسی گرفته که به شرح زیر است:

زمینه و پیامدهای درگیری مسلحانه در نپال

نپال تا اوایل دهه ۱۹۹۰ به‌طور سنتی توسط نظام سلطنتی اداره می‌شد. پس از جنبش موفقیت‌آمیز مردمی به رهبری احزاب سیاسی، حکومت مستقیم پادشاه به یک نقش تشریفاتی تغییر یافت و دموکراسی چندحزبی در سال ۱۹۹۱ احیا شد. پس از احیای دموکراسی چند حزبی، مردم سرکوب‌شده به سازمان‌های اجتماعی و سیاسی پیوستند و به‌طور جمعی صدای خود را بلند کردند. این انتظار مردم، به‌ویژه افرادی که فرصت مشارکت و بهره‌مندی از حقوق خود در صحنه اقتصادی و سیاسی را برای مدت طولانی پیدا نکرده بودند، افزایش داد. آن‌ها می‌خواستند در بخش‌های سیاسی و اجتماعی گسترده‌تر شرکت کنند تا انتظارات‌شان از پیشرفت اجتماعی و برابری را برآورده کنند. اما در شرایط متغیر اقتصادی و سیاسی دسترسی افراد فقیر و محروم به فرصت دشوار بود و پس از ترمیم دموکراسی، یک شاخص مثبت در بخش اقتصادی دیده شد، اما این تغییر به قفرا نرسید. بنابراین، شرایط ریشه‌دار اقتصادی - اجتماعی برای شروع درگیری مسلحانه در نپال ناگزیر بود.

حزب کمونیست نپال (مانوئیست) از این فرصت استفاده کرد و اهداف سیاسی‌اش را بر اساس نارضایتی‌های دیرینه مردم نپال برآورده کرد. قبل از شروع درگیری مسلحانه، رهبران و کادرهای حزب مانوئیست زیر زمین بودند و در جمع ظاهر نمی‌شدند. اما این حزب «جبهه متحد مردم نپال» را برای ادامه یک حرکت مسالمت‌آمیز تشکیل داد. جبهه یک منشور ۴۰ ماده‌ای از تقاضا را که شامل مسائل اقتصادی اجتماعی و سیاسی بود به دولت نپال ارائه و تا ۱۷ فبروری ۱۹۹۶ مهلت داد که به این منشور رسیدگی کند. این منشور که مستقیماً با زندگی مردم ارتباط داشت، توجه برخی افراد را جلب کرد و آن‌ها به حزب مانوئیست پیوستند.

قبل از ارائه منشور ۴۰ ماده‌ای، دولت عملیات «رومیو کیلو سرا دوم» را در تپه‌های غربی نپال، جایی که مانوئیست‌ها ادعا می‌کردند قلعه‌های آنان است، آغاز کرده بود. شر بهادر دوبا از حزب کنگره نپال نخست‌وزیر بود. هنگامی که وی نتوانست به تقاضای ۴۰ ماده‌ای جبهه متحد رسیدگی کند، حزب مانوئیست درگیری مسلحانه علیه دولت را آغاز و به سه پسته پولیس در روکوم و یک پسته پولیس در سیندولی حمله کرد و در ۱۳ فبروری ۱۹۹۶ بانکی را در گورخا غارت کرد. دولت به‌جای تحقق خواسته‌ها، مانوئیست‌ها را با تمام توان سرکوب کرد. طی جنگ میان دولت و مانوئیست‌ها بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ حدود ۱۳ هزار نفر کشته و هزار و ۳۰۰ نفر مفقود یا ربوده شدند. این امر تأثیرات نامطلوبی بر اقتصاد نپال داشت و هردو طرف درگیری در نقض حقوق بشر نقش داشتند. این درگیری مسلحانه که ۱۰ سال به طول انجامید، سیاست ملی را تحت تأثیر قرار داد.

دموکراسی در برابر سلطنت

تفاهنامه ۱۲ ماده‌ای بین اتحاد هفت حزب و مانوئیست‌ها در ۲۲ نوامبر ۲۰۰۵ نهایی شد. هدف از این کار مبارزه با اقدامات پادشاه و تحول مسالمت‌آمیز در درگیری مسلحانه ۱۰ ساله مانوئیست‌ها بود. برعلاوه هدف آن احیای دموکراسی چندحزبی و حقوق مردم بود. وقتی تفاهم ۱۲ ماده‌ای شکل گرفت، مبارزه بین سلطنت و دموکراسی برای مدت طولانی در نپال ادامه داشت. اجرای تفاهنامه و پایان دادن به درگیری مسلحانه از طریق کنترل تسلیحات و مدیریت ارتش و ترتیب بازگرداندن قدرت گرفته شده توسط پادشاه برای ایجاد یک فضای دموکراتیک، از جنبه‌های اساسی روند صلح نپال بود که فضای مثبت برای رسیدگی به علل درگیری مسلحانه را ایجاد کرد.

با آن‌که هر دو طرف می‌خواستند درگیری مسلحانه ۱۰ ساله را از طریق چشم‌انداز سیاسی-اجتماعی و اقتصادی آینده‌نگر حل کنند، شاه می‌خواست درگیری مسلحانه را از طریق پس گرفتن قدرت از مردم، حل کند. در نتیجه، در سال ۲۰۰۵ شاه که شر بهادر دوبا را به نخست‌وزیری منصوب کرده بود، عزل کرد و وی را «ناکارآمد» در حل درگیری مسلحانه با مانوئیست‌ها دانست و این‌طور قدرت را از مردم پس گرفت. اما بلافاصله ثابت شد که این روش اشتباه است، چون حل مشکلات مربوط به طبقات، قشرها و جنسیت فقط از طریق اصلاحات

حماسه تحول در جنگ و روند صلح نپال



نخست‌وزیر و رئیس حزب کمونیست نپال پس از امضای توافقنامه جامع صلح، ۲۰۰۶/۲ عکس از الجزیره

نپال قبل از مشارکت جامعه بین‌المللی آغاز شد و پس از رفتن مأموریت سازمان ملل به پایان رسید. در خصوص مشارکت‌کنندگان بین‌المللی، هیچ بازیگری نبود که برابر هند بر روند صلح نپال تأثیر بگذارد. نقش هند در روند صلح نپال تهاجمی بود؛ زمانی که مانوئیست‌ها از سازمان ملل متحد درخواست حمایت کردند، دولت هند آن را دوست نداشت، هنگامی که سازمان ملل به تسهیل و مداخله علاقه نشان داد، دولت هند مخالفت کرد و هنگامی که دولت نپال به دلایل مختلف قرارداد مأموریت سازمان ملل را تمدید نکرد، با اشاره به نفوذ هند، موضوع عمومی شد.

هند در مورد درگیری‌های مسلحانه در نپال نیز برخوردهای دوگانه داشت و در عین حال که از دولت نپال حمایت می‌کرد، از حزب کمونیست نپال نیز در طول جنگ حمایت می‌کرد. مردم نپال به خوبی می‌دانند که مانوئیست‌ها از سرزمین هند برای بدست آوردن سلاح، پشتیبانی سازمانی و منابع استفاده می‌کرد، چون به هند دسترسی آسان داشت و با گروه‌های فوق‌العاده چپ هند در ارتباط قوی بود.

نقش جامعه مدنی

نقش جامعه مدنی از جمله سازمان‌های حرفه‌ای مانند «فدراسیون روزنامه نگاران نپال» و «کانون وکلای نپال» در ایجاد روند صلح با ایجاد فشار به اتحاد هفت حزب، حزب کمونیست نپال و دولت و برای گردهم آوری آنان بسیار مهم بود. جامعه مدنی نپال محیط مناسبی را برای پر کردن شکاف بین طرف‌های درگیر و آغاز گفت‌وگو ایجاد کرد. علاوه بر این، به بازگرداندن اعتبار اتحاد هفت حزب، نرم کردن مانوئیست و سپس باز بودن دولت برای صلح، کمک کرد. در طول دوره درگیری، جامعه مدنی برای آموزش هر دو طرف در زمینه حقوق بشر و قوانین بشردوستانه و احترام به حقوق زندگی و تحرک مردم، نقش داشته است.

از یک طرف، کارگاه‌ها، کنفرانس‌ها و آموزش‌ها را ترتیب دادند و از سوی دیگر، پوسترها و جزوه‌هایی را برای آگاهی از حقوق بشر و تحول درگیری منتشر می‌کردند. همچنین در محافظت از جان کادرها، رهبران و افراد دستگیر شده، ربهوده شده و ناپدید شده‌ی احزاب نقش داشتند و با صدور

بیانیه مطبوعاتی و سازماندهی راه‌پیمایی صلح، طرف‌های درگیر را متوجه مسئولیت شان در مورد حقوق بشر و قوانین بشردوستانه می‌کردند.

در فضای پس از درگیری، جامعه مدنی نپال نقش خود را طی روند صلح مانند تشکیل کمیسیون حقیقت و آشتی، کمیسیون تحقیق در مورد ناپدید شدن اشخاص و جبران خسارات درگیری‌های مسلحانه ادامه داده است و در حال ایجاد فشار برای اجرای عدالت انتقالی، است. فراتر از آن، جامعه مدنی نپال در حال ایجاد فشار و فراهم‌آوری فضای مطلوب برای اجرای قانون اساسی جدید است.

هدف اصلی جامعه مدنی نپال حمایت از دستور کار احزاب سیاسی یعنی تبدیل درگیری مسلحانه به صلح و ایجاد یک فضای مثبت برای دموکراسی بود و قصد داشت فضایی را برای گفت‌وگو بین طرف‌های متخاصم ایجاد کند تا بتوانند تفاهم مشترک برای همکاری داشته باشند. اعضای جامعه نپال همچنین محیط ملی و بین‌المللی را برای حمایت از جنبش مردم ایجاد کرده بودند. در سطح ملی، به دلیل عمل‌کرد ضعیف در گذشته، از حمایت عمومی احزاب سیاسی برخوردار نبود اما قدرت خود را با فراهم آوردن فضا برای بحث عمومی در شرایط در حال تغییر، احیا کرد. به همین ترتیب، آنان برای حمایت از جنبش سیاسی و اجتماعی نپال در جامعه بین‌المللی لابی کردند و در طی ۱۰ سال درگیری مسلحانه، فشار اخلاقی را بر احزاب بزرگ سیاسی ایجاد کرد و دولت ۴۸ کرسی را به نمایندگان نهادهای جامعه مدنی در پارلمان اختصاص داد.

درس‌ها

روند صلح نپال علی‌رغم فراز و نشیب‌های فراوان، درس‌های خوب برای آموختن دارد که به شرح زیر است:

روند صلح ابتکار داخلی بود

روند صلح نپال در مرحله اول توسط رهبری نیروهای سیاسی داخلی برنامه ریزی، آغاز و اجرا شد. بعداً وقتی روند صلح داخلی شکل گرفت، حمایت بین‌المللی شکل گرفت، به‌ویژه سازمان ملل متحد وارد جریان شد. احزاب سیاسی و دولت تقریباً همه وظایف استحاله درگیری را از طریق مشاوره، جلسات و تعاملات مختلف با ظرفیت شخصی خود، حتی گاهی در دقیقه نود تصمیم می‌گرفتند. بسیاری از بازیگران خارجی از همان مراحل اولیه می‌خواستند تا مذاکرات درگیری مسلحانه و روند صلح را رهبری کنند اما هر یک از این اقدامات به شکست انجامید.

گفت‌وگوها همه شمول بود

در روند صلح نپال هیچ جناحی بیرون از دایره نمانده بود. حزب کنگره نپال (دولت وقت)، حزب کمونیست، اتحاد هفت حزب و جامعه مدنی به‌طور جمعی در پروسه‌های صلح شرکت داشتند. خداحافظی رزمندگان حزب کمونیست نپال با بسته بازنشستگی داوطلبانه، مفهوم جدیدی بود. یافتن این نوع مثال‌های همکاری مشترک، مسئولیت‌پذیری مساوی برای تبدیل درگیری به حالت صلح در سایر کشورها یا شرایط، دشوار است. نقش برجسته احزاب سیاسی داخلی و اندیشه‌های داخلی می‌تواند روند صلح را به جای وابستگی به جامعه بین‌المللی، به نتیجه برساند.

روند پویاست

روند صلح نپال از نظر پویایی سیاسی-اجتماعی بی‌نظیر است، هرچند که این کشور هنوز برای حفظ صلح منفی نیاز به تلاش دارد و باید برای تغذیه ظرفیت نهادی خود برای دستیابی به صلح مثبت تلاش کند. این تنها پس از تبدیل صلح منفی غالب به صلح مثبت امکان پذیر است. تحول درگیری حتا در شرایط دشوار نیز ممکن است در صورتی که طرفین درگیر متعهد به رسیدگی به علل درگیری مسلحانه و مشتاق به نتیجه رسیدن روند صلح از طریق روند صلح‌آمیز باشند. تعهد به بهره‌گیری از فرصت‌های تاریخی برای بازسازی کشور، روش‌های تغییر درگیری مسلحانه، برقراری صلح منفی و رویای صلح مثبت در مردم نپال می‌تواند نمونه‌های خوبی برای یادگیری برای سایر کشورهایی باشد که هنوز در حال جنگ هستند.



امضای توافقنامه ۱۲ ماده‌ای میان اتحاد احزاب هفت‌گانه و حزب کمونیست نپال / عکس از نیویارک تایمز

سیمون استروسکی

مترجم: جلیل پژواک

در آذربایجان یک ضرب‌المثل است که می‌گوید هر که بامش بیش برفش بیشتر. سال گذشته بام آذربایجان پس از آن که از جنگ ۴۴ روزه‌اش با ارمنستان بر سر کنترل منطقه محصور ناگورنو-قره‌باغ، پیروز میدان بیرون آمد، به‌طور قابل توجهی بزرگ‌تر شد. آذربایجان و ارمنستان در ارتفاعات به‌لحاظ استراتژیک مهم قفقاز واقع شده‌اند؛ منطقه‌ای که روسیه، ترکیه و ایران در آن باهم روبه‌رو می‌شوند. ناگورنو-قره‌باغ ولایتی است که نامش مصداق منافع درهم‌تنیده کشورهای می‌باشد که دیربست بر سر کنترل و نفوذ بر آن باهم رقابت می‌کنند. ناگورنو-قره‌باغ نامی است که از ترکیب واژه‌های اسلاوی، ترکی و فارسی به وجود آمده. و گرچه آذربایجان مطمئناً ذینفع اصلی کارزار موفقیت‌آمیزش برای بازپس‌گیری سرزمینی است که در جنگ اول قره‌باغ در دهه ۱۹۹۰ از دست داده بود، اما ناظران می‌پرسند که جنگ اخیر بر سر این قلمرو، بیشتر به نفع کدام یک از قدرت‌های خارج از منطقه قفقاز ختم شد؟

ارمنستان با تسلیم شدن در ۹ نوامبر آشکارا در جایگاه بازنده‌ی این درگیری قرار گرفت. وقتی نیروهای آذربایجانی کنترل شهر بزرگ «شوشا» را در قلب قره‌باغ به‌دست گرفتند، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از نفوذ خویش بر حکومت آذربایجان و ارمنستان استفاده کرد تا معامله‌ای را سامان دهد که منجر به توقف تهاجم آذربایجان و واگذاری کنترل تکه‌ی کوچکی از این منطقه به ارمن‌ها شد. در نتیجه ارمنستان مجبور شد نه تنها از ادعای خود بر مناطقی که در جریان این درگیری از دست داد، بلکه از ادعای خود بر چندین ناحیه دیگر آذربایجان که قره‌باغ را احاطه کرده و ارمنستانی‌ها از سال ۱۹۹۴ کنترل آن‌ها را به دست داشتند، نیز دست بکشد. این ناحیه‌ها در قلب نارضایتی آذربایجان از ارمنستان قرار داشت، زیرا در دوره شوروی و برخلاف منطقه قره‌باغ که هم در آن‌زمان و هم اکنون اکثر ساکنان آن ارمن‌ها هستند، ساکنان این نواحی اکثراً آذری‌ها بودند.

آذربایجان چگونه توانست در نبردی دشوار و خونین که در آن سربازانش باید سنگری مستحکم و کوهستانی را فتح می‌کردند، این قدر نفع ببرد؟

آذربایجان در جنگ اخیر قره‌باغ عمدتاً از طرف متحد قدرت‌مند خود، ترکیه، کمک می‌شد. آنکارا، که سال‌هاست جنگی را در سوریه پیش می‌برد، مشاوران نظامی باتجربه خود را برای هدایت ماشین جنگی باکو به منطقه اعزام کرد. ماشین جنگی باکو سال‌هاست با سلاح‌های مدرن به ارزش

میلیاردها دالر پول نفت دریای خزر، تجهیز و تقویت می‌شود.

الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان و رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، در ماه دسامبر سال گذشته در رژه‌ی پیروزی در باکو که در آن ارتش آذربایجان وسایل نقلیه نظامی تخریب‌شده ارمنی‌ها در میدان جنگ را در میدان اصلی شهر برای تماشای عموم با طناب می‌کشیدند، شرکت داشتند. پس از این نمایش ناخوشایند، دو رهبر برای شرکت در یک کنفرانس مطبوعاتی حاضر شدند. در این کنفرانس علی‌اف نقشی را که تجهیزات و فناوری ترکیه در به پیروزی‌رساندن آذربایجان داشت، برای مردم خود برجسته کرد. او با اشاره به هواپیماهای بدون سرنشین که قبلاً توسط ترکیه در کارزارهای نظامی اردوغان در سوریه استفاده می‌شد و دیربست علیه شورشیان کُرد در شرق ترکیه به کار برده می‌شود، گفت: «بیراکنتر معروف که توسط صنایع دفاعی ترکیه ساخته شده است، تغییردهنده بازی بود و نقش مهمی در موفقیت ما داشت.»

استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین ساخت ترکیه در جنگ قره‌باغ، باعث برگشتن ورق به نفع آذربایجان در میدانی شد که در آن دو ملت-دولت در برابر هم قرار گرفته بودند. بایراکتر به همراه سیار هواپیماهای بدون سرنشین که آذربایجان در سال‌های اخیر خریداریش کرده است، برتری ارمنستان را که در موقعیت بالادست در میدان جنگ قرار داشت، از بین برد. واضح است که یک هواپیمای بدون سرنشین می‌تواند بالاتر از مرتفع‌ترین کوه‌ها پرواز کند. صدای این هواپیماها به تنهایی خود برای ایجاد وحشت کافی است. من آن‌را هنگام تهیه گزارش برای PBS NewsHour از خیابان‌های «استپاناکرت» تحت کنترل ارمنستان در ماه اکتبر تجربه کردم. با به صدادرآمدن موتور هواپیمای بدون سرنشین در آسمان بالای سر مان، ما مجبور شدیم که مصاحبه‌ی مان را کوتاه کنیم و فرد مصاحبه‌شونده را که دچار کم‌بینایی بود، به سمت گاراژ قبلاً بمب‌گذاری‌شده که در آن محیط از امنیت نسبی برخوردار بود، هدایت کنیم. تأثیر پرواز هواپیمای بدون سرنشین در آسمان بالای سر مان حتا بدون این‌که دست به حمله‌ی ببرد، بی‌حس‌کننده بود.

ترکیه با تمام کمک‌های تعیین‌کننده‌ی که برای نیروهای آذربایجان ارائه کرد، حضور فیزیکی خود را در منطقه گسترش نداد. این درحالی بود که فقط یک هفته پس از اعلام آتش‌بس بین دو طرف درگیر، اردوغان خطاب به پارلمان ترکیه اعلام کرد که نیروهای حافظ صلح (صلح‌بانان) ترکیه در راه قره‌باغ اند.

آذربایجان چگونه در جنگ قره‌باغ پیروز شد؟



می‌گوید: «به خاطر خدا، التماس می‌کنم.» وقتی سرباز آذربایجانی شروع به بریدن گلولی این پیرمرد می‌کند، ویدیو ناگهان پایان می‌یابد. در ویدیویی دیگر، گروهی از سربازان آذربایجانی یک جوان را که پیراهنی به تن ندارد بر روی زمین محکم نگه داشته‌اند و سربازی دیگر با چاقو سرش را از تن جدا می‌کند. این کار او با هلهله‌ی بلند و کف‌زدن‌های جمعیت حاضر در محل روبه‌رو می‌شود.

پیروزی آذربایجان در جنگ اخیر قره‌باغ توپ را در میدان باکو قرار داده است تا اگر می‌خواهد در آنچه آن‌را جنگ میهن‌پرستانه برای آزادی توصیف کرده است، اخلاق زیرپا نشود، با جنایت‌کاران جنگی خود قاطعانه و سریع برخورد کند. اعلامیه اخیر دادستانی کل آذربایجان مبنی بر بازداشت چهار سرباز به جرم مثله‌کردن اجساد کشته‌شدگان ارمنی در جنگ و هتک حرمت به سنگ مزارهای ارمنی‌ها، تا زمانی که عاملان جنایات جدی‌تر آزاد باشند، ناکافیست و ره

به جایی نمی‌برد. چرا این‌قدر ضرور است که آذربایجان جنایت‌کاران جنگی خود را مورد بازخواست قرار دهد؟

جدا از مسأله اخلاقی که از طرفین می‌طلبد حقوق بشر را در میدان جنگ رعایت کنند، علی‌اف می‌خواهد که جهان باور کند که او قصد دارد به‌طور عادلانه و به سود هر دو

آذربایجان در جنگ اخیر قره‌باغ عمدتاً از طرف متحد قدرت‌مند خود، ترکیه، کمک می‌شد. آنکارا، که سال‌هاست جنگی را در سوریه پیش می‌برد، مشاوران نظامی باتجربه خود را برای هدایت ماشین جنگی باکو به منطقه اعزام کرد. ماشین جنگی باکو سال‌هاست با سلاح‌های مدرن به ارزش میلیاردها دالر پول نفت دریای خزر، تجهیز و تقویت می‌شود.

از ارمنی‌هایی را که از فرط حماقت یا هم ناتوانی در خانه‌های خود مانده بودند، در برخی موارد، به معنای واقعی کلمه از دم تیغ گذراندند. یک ویدیو که توسط گوشی همراه ضبط شده است و اعتبار آن مورد تأیید سازمان عفو بین‌الملل است، یک نظامی آذربایجانی را نشان می‌دهد که یک پیرمرد را درحالی که دست و پا می‌زند بر روی زمین نگه داشته و یک سرباز دیگر چاقویی را به دستش می‌دهد. پیرمرد به زبان آذری و با لهجه، خواهان ترجم می‌شود و به تکرار

تصمیمی که هرگز عملی نشد. در واقع این ترکیه نیست که حضور خود را در منطقه قفقاز افزایش داده است، روسیه است؛ قدرتی که تا همین اواخر هم بر ارمنستان و هم بر آذربایجان حاکم بود و اتفاقاً تنها کشور تأمین‌کننده عمده اسلحه است که مقادیر زیادی جنگ‌افزار در جریان جنگ اخیر قره‌باغ به هر دو طرف فروخته است.

براساس توافق‌نامه‌ای که پوتین آن‌را سامان داد، قرار شد تا حدود ۲ هزار نیروی صلح‌بان روسی در مناطقی از قره‌باغ که هنوز آرامنه در آن زندگی می‌کنند، برای گشت‌زنی حضور یابند. هدف این نیروها ظاهراً محافظت از ارمنی‌ها در برابر خصومت نیروهای سرخوش از پیروزی آذربایجانی است که در ماه اکتبر و نوامبر حدود یک-سوم قره‌باغ را مورد تاخت و تاز قرار دادند. بسیاری از این سربازان که مدت‌ها پس از پایان جنگ اول قره‌باغ متولد شده‌اند، در این جنگ اولین بار بود که با ارمنی‌ها روبه‌رو می‌شدند. هرچیزی که این سربازان در مورد این بیگانه‌ها می‌دانند، از پروپاگاندای دولتی سرچشمه می‌گیرد که در آن دولت آذربایجان ارمنستان را دولتی فاشیست و ارمنی‌تباران را قاتلان خون‌خوار معرفی می‌کند. اکنون که به گذشته نگاه می‌کنیم، آنچه در جنگ قره‌باغ اتفاق افتاد تقریباً اجتناب‌ناپذیر بوده است. سربازان آن دسته

خود را معزول می‌پندارم

| سخیداد هاتف |



pngkey

ما: ولی یک وزیر دیگر ...

وزیر خودمعزول: می‌دانم، اخبار را تعقیب می‌کنم. بین من و آن وزیر معزول دو فرق جدی وجود دارد. یکی این‌که من به‌صورت طبیعی از تیم دولت‌ساز، تیم رئیس‌جمهور، هستم و دیگری این‌که در وزارت آن وزیر معزول مورد اشاره‌ی شما فساد گسترده وجود داشت. در وزارت ما فساد گسترده نبود؛ قیفی بود.

ما: فساد قیفی یعنی چه؟

وزیر خودمعزول: مثال بدهم. شما اگر یک سطل آب را به زمین بریزید، آب پخش می‌شود. این گسترده است. اما اگر آن سطل آب را با قیف در یک ظرف دیگر بریزید، از گسترش آب جلوگیری می‌شود. در وزارت من فساد گسترده به این معنا وجود نداشت. من از کد ۸۱ فقط خرج دسترخوان و سفر چند نفر را می‌دادم که کاملاً قانونی است. اما من چون دیدم در چند مورد ابهام وجود دارد، خودم را معزول پنداشتم و به این‌جا آمدم.

ما: کد ۸۱؟

وزیر خودمعزول: بلی، ما در وزارت خود برای موارد اضطراری یک کد داشتیم به نام کد

فساد گسترده واقع شده بود؟ وزیر خودمعزول: نمی‌دانم، ولی ابهام وجود داشت. در نتیجه من خویش را معزول پنداشتم و آمدم به دوی.

ما: این ویلا از شماست؟

وزیر خودمعزول: نه، من این ویلا را کرایه کردم.

ما: کرایه‌ی این ویلا را چه گونه می‌دهید.

وزیر خودمعزول: من نمی‌دهم. دولت می‌دهد. ما: شما که گفتید وزیر معزول هستید. آیا دولت کرایه‌ی خانه‌ی وزیران معزول را هم می‌دهد؟

وزیر خودمعزول: نه نه، اشتباه نکنید. من خودم خود را معزول می‌پندارم. به عبارت «می‌پندارم» توجه نکردید. رئیس‌جمهور مرا عزل نکرده.

ما: پس چرا به کابل نمی‌روید؟

وزیر خودمعزول: کسی که خود را معزول می‌پندارد، به کابل که برود چه کار کند؟ همین‌جا راحت‌تر هستم.

ما: معاش‌تان حتما قطع شده.

وزیر خودمعزول: نه. چرا؟ گفتم که من خودم را معزول می‌پندارم، چون در وزارت ابهام وجود داشت.

اخیراً وزیری از وزرای دولت افغانستان را در دوی بی‌یافتیم که در یک ویلای بیست و هشت میلیون دالری زندگی می‌کند. با وی گفت‌وگو کردیم:

ما: جناب وزیر، شما در دوی چه کار می‌کنید؟

وزیر خودمعزول: یعنی چه؟ مگر به دوی آمدن جرم است؟

ما: راحت باشید. این را پرسیدیم چون شنیدیم شما سه ماه است در این‌جا بید.

وزیر خودمعزول: شش ماه است در دوی هستم.

ما: همین دیگر. قرار نیست شما در کابل باشید؟

وزیر خودمعزول: من خود را معزول می‌پندارم.

ما: متوجه نشدید.

وزیر خودمعزول: ببینید. در ارگ ریاست‌جمهوری ما یک قاعده است. طبق آن قاعده «هر مدیری که تحت نظارتش فساد گسترده واقع شود مسئول است؛ اگر ابهام وجود داشته باشد، خویش را معزول بپندارد.»

ما: یعنی در وزارت شما و تحت نظارت شما

در جستجوی ریشه‌های منازعه

نقد و رونمایی کتاب ژئوپلیتیک و منازعه افغانستان



عباس اسدیان
گزارشگر

«منازعه جاری در افغانستان یک مسأله جدی است که همه روزه در قالب‌های مختلف به امنیت و ثبات کشور آسیب می‌رساند؛ اما این مسأله از منظر ژئوپلیتیک کمتر و حتا هیچ مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته است.» بخشی از مقدمه کتاب «ژئوپلیتیک و منازعه افغانستان» که روز پنجشنبه هفته گذشته در دانشگاه کاتب نقد و بررسی شد. سردارمحمد رحیمی و عباس عارفی نویسندگان کتاب می‌گویند اثر آن‌ها به دنبال ریشه‌یابی «منازعه» افغانستان است.

سردارمحمد رحیمی نویسنده کتاب در سخنرانی‌اش گفت، مشکلات افغانستان پاسخ ژئوپلیتیکی می‌خواهد: «گر شما برای چالش‌های جاری در افغانستان پاسخ‌های ژئوپلیتیکی داشته باشید، منازعه قابل حل است. پاسخ‌های ژئوپلیتیکی با پاسخ‌های سیاسی فرق دارد.» رحیمی در سخنانش از اهمیت بررسی منازعه جاری در افغانستان از منظر ژئوپلیتیک یادآوری کرد: «مدیریت ژئوپلیتیکی اولین گام برای حل مشکلات است.»

در جستجوی ریشه‌های منازعه

افغانستان کشوری است که قومیت‌های گوناگون در آن زیست دارد. به همین دلیل از دید بسیاری، افغانستان سال‌هاست که در چرخه باطل خشونت گرفتار شده است. از طرف دیگر، برداشتی که از قومیت در افغانستان وجود دارد کلیشه‌ای و فرهنگی است. اما سردارمحمد رحیمی نویسنده کتاب می‌گوید قومیت پدیده فرهنگی نیست، بلکه ژئوپلیتیکی است: «مثلا وقتی که شما از هزاره‌جات نام می‌برید ذهن شما به سمت مناطق هزاره‌جات و هزارستان کشیده می‌شود. یا وقتی که از پشتون‌ها نام می‌برید ذهن شما به سمت مناطق جنوب و قندهار و هلمند کشیده می‌شود...»

از نظر آقای رحیمی نداشتن مدیریت سالم از منظر ژئوپلیتیکی باعث شده افغانستان در وضع فعلی گرفتار شود: «ژئوپلیتیک موضوع مهم و اساسی است و باید بیشتر از این‌ها روی این موضوع کار شود.»

عباس عارفی، نویسنده دیگر کتاب در روز نقد و بررسی کتاب گفت، منازعه اکنون افغانستان ریشه در گذشته دارد: «مسأله اساسی ما در این کتاب منازعه افغانستان است. منازعه افغانستان پس از ۲۰۰۱ مختص به این مقطع زمانی خاص نیست بلکه ادامه منازعه گذشته افغانستان است. ما منازعه افغانستان را بیشتر از منظر ژئوپلیتیک بررسی کردیم.»

کتاب «ژئوپلیتیک و منازعه افغانستان» (رویکرد داخلی، منطقه‌ای و جهانی) در چهار فصل به نگارش درآمده است؛ «ژئوپلیتیک و منازعه»، «ژئوپلیتیک داخلی»، «ژئوپلیتیک منطقه‌ای» و «ژئوپلیتیک جهانی». به گفته‌ی نویسندگان کتاب اساسی‌ترین مسأله در این کتاب ریشه‌یابی «منازعه» افغانستان است.

فریدین هاشمی منتقد کتاب به این باور است که چالش منطقه‌ای اساسی‌ترین چالش افغانستان است: «افغانستان جزو معدود کشورهای است که از سه چالش درونی، منطقه‌ای و جهانی برخوردار است. و تحلیل منطقه‌ای این چالش از تأثیرگذارترین و

با حضور روسیه مبادله کرده باشد. انور علی‌اف، ساکن باکو شکایت می‌کند که «روسیه کشوری است که به ارمنستان کمک می‌کند. اگر ترکیه بیاید، بلی [شکایتی ندارم]. اما من حضور صلح‌بانان روسی را نمی‌پذیرم.» با این حال در رده‌های بالا مقامات آذربایجانی درباره دخالت روسیه دیپلماتیک‌تر سخن می‌زنند. حکمت حاجی‌اف، دستیار ارشد رییس‌جمهور علی‌اف در ماه نوامبر به من گفت: «در آذربایجان ما براساس یک مأموریت عملی حضور نیروهای روسیه را شاهدیم. این مأموریت برای حفظ صلح است. به معنای ایجاد پایگاه نظامی روسیه نیست.»

با این حال مقامات آذربایجانی درباره ارمنستان چنین دیپلماسی را از خود به نمایش نمی‌گذارند. برای مثال حاجی‌اف گفت که ارمنستان خودش باید درباره ادعاهای جنایت جنگی مانند بریده‌شدن گلوی مرزبان آذربایجانی به دست نیروهای ارمنی که در عین گزارش عفو بین‌الملل مستند شده است، تحقیق کند. این کار در حال حاضر با توجه به شرایط آشفته ارمنستان که مردمش به خاطر شکست خوردن در جنگ و از دست دادن قلمرو به دنبال مقصر می‌گردند، بعید به نظر می‌رسد. اوضاع در باکو اما بسیار متفاوت است. با نفع سیاسی‌ای که در نتیجه این جنگ به علی‌اف رسیده است، دولت وی به‌راحتی می‌تواند در برابر واکنش‌هایی که بدون شک مجازات شدید زندان برای نظامیان مجرم، برای دولت به دنبال خواهد داشت، جان سالم به‌در ببرد.

باید دید که آیا آذربایجان افرادی را که ادعا می‌شود مسئول کشتار غیرنظامیان و اسیران جنگی هستند، مورد بازخواست قرار خواهد داد یا خیر. با این که امکان دارد در حال حاضر باکو بیشتر به برگزاری رژه‌های پیروزی علاقه‌مند باشد، اما هنوز برف زیادی برای رفتن از بالای بامش دارد. و صرف‌نظر از حضور صلح‌بانان روسی در منطقه، بدون یک روند آشتی قوی، بعید است که جوامع ارمنی و آذری بتوانند در کنار یک دیگر زندگی کنند یا هم صلح کنونی دوام بیاورد.

سیمون استروسکی خبرنگار ارشد PBS NewsHour و روزنامه‌نگار تحقیقی برنده جایزه است که به دلیل گزارش‌دهی از بحران کریمه در سال ۲۰۱۴ و جنگ در شرق اوکراین شناخته می‌شود و به همین دلیل جایزه معتبر DuPont را از دانشگاه کلمبیا دریافت کرد و دو بار نامزد جایزه Emmy شد. او همچنین در سال ۲۰۱۳ به عنوان تهیه‌کننده برنامه VICE در شبکه HBO برنده جایزه امی شد.

طنز

ما: مگر چنین چیزی ممکن است؟ وزیر خودمزعول: بلی. ندیده‌اید که معاون اول رییس‌جمهور دیروز کفش گمشده‌ی عمه‌ی حشمت‌الله را در تایمینی به آن خانم برگرداند؟ ما: منظورتان را نفهمیدم. وزیر خودمزعول: ماجرا از این قرار است که به تاریخ بیست و دوم قوس ۱۳۹۹ شمسی اسامی فریده بنت عزیزخان باشنده‌ی تایمینی یک جوهره کفش سیاه روسی‌اش در مسجد مورد سرقت قرار گرفت. دیروز در اثر سعی و تلاش معاون اول رییس‌جمهور کفش‌های آن خانم که عمه‌ی حشمت‌الله می‌باشد، به او برگردانده شد. ما: خوب؟

وزیر خودمزعول: خوب قتیغ جان‌تان. وقتی معاون رییس‌جمهور می‌تواند غم کفش آن مظلومه‌ی پیچیده‌سفيد را بخورد، کار وزارت مرا نمی‌تواند انجام بدهد؟ ما: زندگی در این‌جا چطور است؟ وزیر خودمزعول: باور کنید کیفی دارد موووووووچ. شما یک دفعه وزیر شوید و خود را معزول ببندارید و این‌جا بیایید. آن وقت می‌فهمید زندگی یعنی چه.

جانب آذری‌ها و ارمنی‌ها بر قره‌باغ و مناطق اطراف آن حکومت کند. او در یکی از سخنرانی‌های تلویزیونی خود چند ماه پیش گفت: «ما قره‌باغ را به عنوان یک منطقه مرفه، امن و امان آذربایجان می‌بینیم که در آن مردم در کنار هم در صلح و با عزت زندگی می‌کنند.»

این یک ادعا است و تا زمانی که به غیرنظامیان ارمنی تبار فراری اجازه بازگشت به مناطق شان داده نشود، به نظر گمراه‌کننده می‌رسد و جدی‌گرفتن آن دشوار می‌نماید. علاوه براین، تا زمانی که آذربایجان به نیروهای مسلح خود نشان نداده باشد که در صورت اعمال خشونت علیه نظامیان هیچ مصئونیتی نخواهند داشت، بعید است که غیرنظامیان ارمنی تبار بخواهند به مناطق‌شان برگردند. «راشل دنبر»، معاون سازمان دیدبان حقوق بشر، با صحبت درباره مقامات آذربایجان و ارمنستان گفت: «به عنوان یک بازدارنده حصول اطمینان از این‌که چنین جنایاتی تکرار نخواهد شد، ضروری است تا به نظامیان از اول تا آخر زنجیره فرماندهی این پیام رسانده شود که این نوع اقدامات غیرقابل تحمل است و عاملان آن به شدت مجازات می‌شوند.»

همه‌ی این موارد نشان می‌دهد که حضور نوعی نیروی صلح‌بان در منطقه قره‌باغ برای جلوگیری از آسیب بیشتر به غیرنظامیان ضروری است. این‌که چنین نقشی را روسیه به عهده گرفته است، بیان‌گر نفوذ فزاینده مسکو در قلمروهای سابقش است. حضور نیروهای روسیه در خاک آذربایجان نشان‌دهنده احیای حضور نظامی روسیه در هر سه جمهوری قفقاز جنوبی یعنی ارمنستان، آذربایجان و گرجستان، برای اولین بار پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است. برای روسیه، دولتی که به دنبال گسترش نفوذش است، این یک پیروزی بزرگ به شمار می‌رود و ابزار فشار قدرت‌مندی است که مسکو می‌تواند از آن به نفع خود استفاده کند. روسیه دست‌کم برای پنج سال آینده نقش میان‌جی را بین ارمنستان و آذربایجان ایفا خواهد کرد و در این مدت هر دو کشور در هرگونه تصمیم‌گیری مهم در مورد قره‌باغ و فراتر از آن باید اول از مسکو نظر بخواهند. با این حال این حرف را نمی‌توان در مورد ترکیه زد؛ کشوری عضو ناتو که ۱۹۳ مایل مرز مشترک با ارمنستان دارد و با این‌که همکاری خود را با آذربایجان در جریان جنگ شدت بخشید، اما در ختم جنگ هیچ جایگاهی در منطقه قفقاز نصیبش نشد.

با این‌که آذربایجانی‌ها خوشحالند که قلمرو قابل‌توجهی دوباره تحت کنترل کشورشان درآمده است، اما برخی نگرانند که مبادا آذربایجان اشغال به‌دست ارمنستان را

مهم‌ترین این چالش‌ها به حساب می‌آید. آقای هاشمی می‌گوید افغانستان در منطقه جنوب آسیا حساس‌ترین و کلیدی‌ترین موقعیت را به خود اختصاص داده است: «نظم منطقه‌ای جنوب آسیا دو قطبی بوده که بین هند و پاکستان شکل گرفته و این نظم‌های دو قطبی بر افغانستان تأثیر خاص دارد.» او از این نظر که برای شناخت بهتر از چالش‌های موجود نیاز به شناخت دقیق این چالش‌ها وجود دارد، کتاب «ژئوپلیتیک و منازعه افغانستان» را سودمند خواند.

موسا جعفری منتقد دوم، با تیغ برهنه‌تر نقد به سراغ کتاب «ژئوپلیتیک و منازعه افغانستان» رفت. او گفت بهتر بود در ابتدا یک تعریف خیلی دقیق و مشخص از این‌که «تحلیل ژئوپلیتیکی چیست» ارائه می‌شد. از طرف دیگر، او نبود یک نظریه منسجم و کل‌گرایانه که بتواند منازعات را در هر سه سطح تبیین کند، به‌عنوان یکی از کاستی‌های این تحقیق یادآوری کرد: «آیا در این کتاب نظریه‌ای به میان آوریم که بتوانیم هر سه سطح را تحلیل کنیم یا برای هر سطح به نظریه مستقل نیاز داریم؟» به باور آقای جعفری، از آن جایی که کتاب در این کار موفق نبوده باعث شده دچار پراکندگی شود. آقای جعفری دلیل این کار را اتکالی بیش از حد به منابع فارسی دانست. او گفت، بدون شک بهترین منابع در حوزه ژئوپلیتیک به زبان انگلیسی است در حالی که تمام منابع این کتاب به زبان فارسی است.

به گفته منتقدین حرف اصلی نویسندگان کتاب این است که توجه به مباحثات ژئوپلیتیکی کلید حل بسیاری از معضلات و مشکلات در افغانستان است. سردارمحمد رحیمی گفت: «تمرکز بر این حوزه دانش می‌تواند کمک کند که افغانستان شناخت بهتر از خود و از ظرفیت‌های فضایی و جغرافیایی خودش داشته باشد تا بتواند بهتر سیاست‌ورزی کند و بخشی از مشکلات خودش را حل کند.»



کتاب «ژئوپلیتیک و منازعه افغانستان» از جدیدترین تحقیق‌ها در حوزه ژئوپلیتیک است.

واکنش سازمان بهداشت جهانی و کوکس به سخنان رهبر ایران:

«واکسن را سیاسی نکنید»



اطلاعات روز: کوکس، نهاد هماهنگ‌کننده تلاش‌های جهانی برای دسترسی کشورها به واکسن کووید-۱۹ در واکنش به سخنان رهبر ایران درباره ممنوعیت خرید واکسن تولید آمریکا و بریتانیا به بی‌بی‌سی فارسی گفت که این نهاد طیف‌های گوناگونی از واکسن‌های موجود را تهیه می‌کند و دولت‌ها گزینه‌های زیادی برای انتخاب دارند.

مایکل رایان، مدیر اجرایی برنامه فوریت‌های سلامت سازمان بهداشت جهانی هم گفته است: «این سازمان بارها تاکید کرده که کرونا را سیاسی نکنید و حالا هم می‌گوید لطفا ماجرای واکسن را سیاسی نکنید.»

سازمان عفو بین‌الملل هم تصمیم آیت‌الله خامنه‌ای برای ممنوع کردن دسترسی میلیون‌ها نفر از مردم ایران به واکسن‌های حیاتی را «نادیده انگاشتن حق حیات و حق سلامت» مردم دانسته و گفته است: «رهبر در حال بازی با جان میلیون‌ها انسان است. مقامات باید به این بی‌اعتنایی شرم‌آور به تعهدات حقوق بشری پایان دهند.» آیت‌الله خامنه‌ای رهبر ایران دیروز در سخنرانی زنده تلویزیونی خود گفت «ورود واکسن آمریکایی و انگلیسی کرونا ممنوع است.»

این سخنان باعث بهت و خشم ایرانیانی شد که منتظر ورود واکسن به کشورشان بودند.

کوکس در پاسخ به بی‌بی‌سی فارسی که آیا این تصمیم رهبر ایران باعث به خطر افتادن جان شهروندان خواهد شد، گفت: «برای جوابگویی به حجم بالای درخواست‌ها برای واکسن کرونا، کوکس نیاز دارد که با توجه به جمعیت تحت پوشش و شرایط مختلف کشورها، انواع مختلفی از واکسن‌های موجود را در نظر بگیرد.»

کوکس «با استرازنکا، موسسه سرم هند (تامین‌کننده استرازنکا و نوواکس)، شرکت جانسون و سانوفی جی‌اس‌کی قرارداد دارد که کارخانه‌های آنها در کشورهای مختلف است تا کار تولید واکسن در سراسر جهان را تسهیل کند.»

ایران یکی از کشورهای طرف توافق با کوکس است که هدفش تسهیل دسترسی کشورها با هر نوع شرایط اقتصادی به واکسن کرونا و مبارزه با همه‌گیری این بیماری است. کوکس قول داده که تا ۱۲ ماه دیگر ۲ میلیارد دوز واکسن به کشورها برساند.

ایران از طریق این نهاد قرار است در فاز اول «۱۶ میلیون و ۵۰۰ هزار دوز» واکسن از کوکس بگیرد که به گفته دولت پول آن به کوکس پرداخت شده است.

اطهارات آقای خامنه‌ای باعث نگرانی شهروندان از توقف

تولید کرده که هم در دمای پایین‌تر قابل نگهداری است، هم قیمت آن سه دلار است که از گزینه‌های موجود بسیار ارزان‌تر است. استفاده گسترده از این واکسن از چند روز پیش در بریتانیا آغاز شد.

کوکس بیشترین خرید سید خود را به این واکسن اختصاص داده که در مرحله اول ۱۷۰ میلیون دوز به طور مستقیم از استرازنکا/آکسفورد و حدود ۲۰۰ میلیون دوز دیگر را از شرکت سرم هند تهیه می‌کند.

موسسه سرم هند: زمزمه‌هایی درباره خرید ایران از این موسسه، یکی از بزرگ‌ترین واکسن‌سازهای جهان، شنیده شده که در واقع تولیدکننده واکسن استرازنکا (بریتانیا و سوئد) و نوواکس (آمریکا) است؛ اما مشخص نیست که آیا رهبر ایران به دولت اجازه خواهد داد که با واسطه از یک شرکت هندی محصولات بریتانیایی و آمریکایی بخرد. شرکت جانسون و جانسون: این هم شرکتی آمریکایی است اما تاکید دارد که کار تولید واکسن را در کشورهای مختلف هم‌زمان جلو ببرد.

سانوفی جی‌اس‌کی: دو غول دارویی سانوفی (فرانسه) و جی‌اس‌کی (بریتانیا) هم با کمک هم مشغول تولید واکسنی هستند که طرف قرارداد کوکس است.

اما کوکس تاکید دارد که گزینه‌های دیگری هم برای خرید در نظر دارد که به مرور زمان آن را اعلام خواهد

خرید واکسن خارجی شده همانطور که امروز بلافاصله بعد از سخنان رهبر ایران هلال احمر ایران اعلام کرد واردات ۱۵۰ هزار دوز واکسن فایزر، که چند انجمن خیریه به دنبال آن بودند، «منتفی است.»

این در حالی است که محصولات دارویی دیگر شرکت آمریکایی فایزر که فعلا رتبه اول تولید واکسن کرونا را دارد، در حال حاضر در ایران استفاده می‌شود و همین‌طور محصولات دارویی بریتانیا.

ایران در ابتدا مشکلات تحریم را مانع خرید واکسن کووید-۱۹ اعلام می‌کرد تا اینکه کوکس به بی‌بی‌سی گفت که از این نظر ایران مشکلی ندارد.

کوکس؛ کدام واکسن‌ها؟

با سخنان رهبر ایران اکنون توجه‌ها بیش از گذشته به کشور سازنده واکسن جلب شده است؛ هرچند بیشتر تولیدکنندگان چندملیتی و در کشورهای مختلف به تولید مشغول هستند.

بیشتر واکسن‌هایی که در حال حاضر کوکس با تولیدکنندگان آنها قرارداد بسته، تولید بریتانیا، آمریکا و شرکت‌های عمدتاً چندملیتی است.

استرازنکا: شرکت استرازنکا که شرکتی بریتانیایی و سوئدی است با همکاری دانشگاه آکسفورد واکسنی را

ناپدید شدن هواپیمای مسافربری در اندونزی با بیش از ۵۰ مسافر

دست داد. به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، وزارت حمل و نقل اندونزی گفته است که عملیات جستجو آغاز شده است. تصاویری که بنظر می‌رسد قطعات این هواپیما باشد در تلویزیون و رسانه‌های اجتماعی منتشر شده است. شماری از ساکنان جزیره لانگانگ در نزدیکی محلی که این هواپیما ناپدید شده به بی بی سی گفته‌اند اشیایی را پیدا کرده‌اند که تصور می‌شود متعلق به هواپیما باشد. شرکت هواپیمایی داخلی «سریویجایا ایر» گفته است

اطلاعات روز: یک هواپیمای مسافربری با بیش از پنجاه سرنشین لحظاتی پس از پرواز از باند فرودگاه جاکارتا در اندونزی از صفحه رادارها ناپدید شده است. به گفته مقامات، این هواپیمای متعلق به شرکت هواپیمایی «سریویجایا ایر» از نوع بوئینگ - ۷۳۷ بوده که به مقصدی در استان «کالیمانتان» در غرب کشور در حال پرواز بود. وبسایت comFlightRadar می‌گوید این هواپیما در کمتر از یک دقیقه سه کیلومتر از ارتفاع خود را از

تویتر حساب دونالد ترامپ را برای همیشه مسدود کرد

تریبونی برای چپ‌گرایان افراطی است تا در آن شرورترین افراد جهان آزادانه صحبت کنند. یکی از سخنگویان تویتر در واکنش به اقدام ترامپ در استفاده از حساب رییس‌جمهوری آمریکا به وبسایت اکسیوس گفت: اگر ترامپ تلاش کند این ممنوعیت را نقض کند، این شرکت به صورت موقت حساب ریاست‌جمهوری را مسدود خواهد کرد.

دونالد ترمپ جونیور، فرزند دونالد ترمپ، در واکنش به این خبر در توییته نوشت: «زندگی ما شبیه داستان ۱۹۸۴ اورول است. دیگر در آمریکا آزادی بیان نداریم. آزادی بیان با شرکت‌های بزرگ فناوری مُرد و آنچه از آن مانده تنها برای اندکی از خواص است. کاملاً احمقانه است.»

برگزاری تظاهرات مسلحانه در آینده شروع شده که از جمله آن‌ها می‌توان به طرح حمله دوم به ساختمان کنگره و سایر ساختمان‌های دولتی در محوطه کپیتول در ۱۷ جنوری اشاره کرد.»

دونالد ترمپ پس از مسدود شدن حسابش در تویتر، از طریق حساب ریاست‌جمهوری آمریکا یک رشته تویت منتشر کرد که تویتر آن را نیز حذف کرد.

ترمپ در این پست‌ها نوشته بود تویتر در هماهنگی با دموکرات‌ها و چپ‌گرایان افراطی تلاش کرده صدای او و ۷۵ میلیون هوادارش را خاموش کند.

ترمپ همچنین از احتمال اقدام برای راهاندازی رسانه اجتماعی خود خبر داد و گفت: «ما خاموش نمی‌شویم. تویتر برای آزادی بیان نیست. کار اصلی آن‌ها تقویت

اطلاعات روز: تویتر اعلام کرد پس از بررسی تویتهای اخیر ترمپ و فضایی که در پی آن‌ها ایجاد شده، حساب ترمپ را به‌دلیل احتمال تشویق به خشونت بیشتر «به صورت دائمی» مسدود کرده است.

تویتر ساعاتی بعد حساب کمپین انتخاباتی دونالد ترمپ را نیز مسدود کرد.

تویتر در بیانیه خود با تحلیل دو تویت ترمپ در روز جمعه گفت که برداشت این شرکت این است که تویتهای مذکور ممکن است دیگران را به تکرار خشونت‌های اخیر در ساختمان کنگره ترغیب کند و «چندین مولفه» نشان می‌دهد برخی این پیام‌ها را به منزله تشویق به تکرار این واقعه، تلقی می‌کنند.

این بیانیه افزود: «در تویتر و خارج از آن انتشار طرح‌های

کرد. مشاور ارشد سازمان بهداشت جهانی، در مصاحبه مطبوعاتی جمعه هشتم، جنوری که مجازی برگزار می‌شد، در پاسخ به سوال خبرنگاری درباره ممنوعیت خرید واکسن آمریکایی و بریتانیایی توسط رهبر ایران گفت: هر کشوری بر اساس دلایل و نیازهای خود تصمیم می‌گیرد از کدام محصول استفاده کند.

بروس ایلوارد در عین حال تاکید کرد: «وقت آن است که هر نوع مسائل سیاسی کنار گذاشته شود تا حتما واکسن به انسان‌هایی که آن را نیاز دارند برسد.»

دکتر ایلوارد گفت: «کاری که ما می‌توانیم در این زمینه بکنیم این است که با کشورهای طرف قرارداد کوکس صحبت کنیم که ببینیم از چه محصولی و چگونه می‌خواهند استفاده کنند. خوشبختانه کوکس زمینه‌ای فراهم کرده که همه کشورها بر اساس نیازشان بتوانند به نوعی به واکسن مناسب شرایطشان دست پیدا کنند و برای انتخاب‌هایشان اولویت قرار بدهند.»

«به همین دلیل است که کوکس راه حل مناسبی برای کشورها با هر شرایط و هر امکانات اقتصادی در زمینه دسترسی به واکسن کرونا است.»

بی‌بی‌سی فارسی از سازمان بهداشت جهانی پرسیده است که سخنان رهبر ایران و ممنوعیت احتمالی ورود واکسن آمریکایی یا بریتانیایی چه تاثیری بر جان و سلامت شهروندان خواهد گذاشت. این سازمان پاسخ داده که موضع رسمی سازمان بهداشت جهانی همان است که در این مصاحبه مطرح شده و در این‌باره اظهارنظر بیشتری نخواهد داشت.

در این مصاحبه کاترین اوپراین، رییس بخش ایمنی و واکسیناسیون سازمان بهداشت جهانی هم درباره اظهارات آقای خامنه‌ای گفت که این سازمان و به‌ویژه کوکس در سبد تامین واکسن خود گزینه‌های متفاوتی دارند که با توجه به نیازها و شرایط کشورها مخصوصاً از نظر حمل و نقل و دمای نگهداری واکسن در دسترس کشورها قرار می‌دهند.

دکتر اوپراین به این موضوع اشاره کرده که واکسن‌های موجود را کارخانه‌های داروسازی در کشورهای مختلف تولید می‌کنند که دسترسی به آن‌ها را کم و بیش راحت‌تر خواهد کرد.

بیش از ۱۸۰ کشور از جمله چین به طرح کوکس پیوسته‌اند اما کشورهایی مانند آمریکا ترجیح داده‌اند که خود مستقیم برای تامین واکسن شهروندانشان اقدام کنند.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
 • سردبیر چاپی: م.علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶
 • سردبیر آنلاین: الباس نواندیش
 • گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی
 • مترجم: جلیل پژواک
 • ویراستار: شیرمهریار
 • صفحه آرا: رضا مظفری
 • ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا
 • ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
 • آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲
 شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
 mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

خبرهای کوتاه

راه حل جدید رئال مادرید برای جذب ستاره بایرن

رئال مادرید امیدوار است کمپانی آدیداس به این تیم در مسیر جذب داوید آلابا کمک کند.

قرارداد داوید آلابا با باشگاه بایرن مونیخ در پایان فصل به اتمام می رسد و به نظر می رسد جدایی این مدافع ۲۸ ساله و اتریشی از بایرن مونیخ قطعی باشد. رئال مادرید جدی ترین مشتری داوید آلابا محسوب می شود و برخی نشریه ها خبر از توافق کامل او با باشگاه اسپانیایی برای انتقال به مادرید در پایان فصل داده اند. دیروز نشریه آ.اس. جزئیات جدیدی از این انتقال فاش کرده است.

با توجه به مشکلات مالی ناشی از شیوع ویروس کرونا، رئال مادرید برای پرداخت دستمزد مورد نظر داوید آلابا مشکل خواهد داشت. علت اصلی عدم توافق این بازیکن با بایرن مونیخ، درخواست دستمزد سالانه ۱۲ میلیون یورو خالص از سوی این بازیکن بود و پرداخت این رقم برای رئال مادرید نیز آسان نیست.

اما به نظر می رسد فلورنتینو پرز با کمپانی آدیداس برای تامین این رقم وارد مذاکره شده است. انتقال داوید آلابا به مادرید به سود برند رئال مادرید خواهد بود و کمپانی آدیداس نیز از فروش لباس این بازیکن سود خواهد برد. به همین علت پرز امیدوار است آدیداس در پرداخت بخشی از دستمزد داوید آلابا همکاری کرده و پروسه انتقال او را تسهیل کند. این در حالیست که یکی از دلایل مهم عدم توافق رئال مادرید با سرخیو راموس برای تمدید قرارداد، درخواست این باشگاه برای کاهش دستمزد مدافع اسپانیایی و عدم قبول این خواسته از سوی سرخیو راموس است. احتمالا داوید آلابا در صورت انتقال به رئال مادرید به پر درآمدترین بازیکن این باشگاه تبدیل خواهد شد.

نخواهد بود؛ فصلی که به بدترین شکل ممکن آغاز شد چون نخستین شکست با یک پنج تایی همراه شد. در این دیدار سرمربی اسپانیایی نتوانست از هیچ مهاجمی استفاده کند. هم سرخیو آگوئرو و هم گابریل ژسوس مصدوم بودند. گواردیولا چاره ای نداشت تا رحیم استرلینگ را در خط حمله قرار دهد. همچنین از دقیقه ۵۰ از لیام دالپ جوان بهره برد. با وجود این که ریاض مهرز گل نخست بازی را به ثمر رساند گل های جیمی واردی یکی پس از دیگری وارد دروازه سیتی شد تا جایی که یک جشنواره گل در اتحاد رقم خورد. آکه با یک ضربه سر نتیجه را ۴ بر ۲ کرد اما این گل فایده ای نداشت. درخشش واردی اجازه کار به سیتی نداد و مهاجم انگلیسی شکست سنگینی را برای تیم پپ گواردیولا رقم زد. جیمز مدیسن و تیلمنز دو گل دیگر لستر را به ثمر رساندند تا دوباره این تیم یک پیروزی شیرین را برابر سیتی به دست آورد.

ونلو ۰-۱۳ آژاکس

خبری از فان د بیک، دی لیخت و دی یانگ در آژاکس نیست اما تیم هلندی در لیگ کشورش به راحتی کار می کند و تنها آیندهوون می تواند با این تیم رقابت کند. برای ونلو همه چیز بد پیش رفت و شروع بدی داشت اما آژاکس بهترین آغاز را داشت و با ۱۳ گل حریفش را شکست داد تا نتیجه ای تاریخی در فوتبال هلند رقم بخورد. آخرین جشنواره گل به این شکل در سال ۲۰۱۰ اتفاق افتاد که آیندهوون با نتیجه ۱۰ بر صفر فاینورد را شکست داد. آژاکس زمانی که تیم حریف در دقیقه ۵۴ مجبور شد با یک بازیکن کمتر بازی کند ۴ بر صفر پیش بود. سپس هر حضورش در محوطه جریمه ونلو تبدیل به یک گل می شد. ترائوره پوکر کرد و در این جشنواره گل هونتارل (دبل)، لیساندرو مارتینس، بلیندا، آنتونی و اکلکامپ شرکت کردند.

شکست های تحقیرآمیز سال ۲۰۲۰



قربانی این اتفاق کیکه ستین (سرمربی) بود که اخراج شد. با این حال خوسپ ماریا بارتمو به سرعت باشگاه را ترک نکرد و پس از چند ماه از سمتش استعفا کرد. گل های هفتم و هشتم توسط فیلیپ کوتینیو به ثمر رسید تا همه چیز به یک جهنم برای تیم کاتالانی تبدیل شود.

استون ویلا ۷-۲ لیورپول

شکست ۷ بر ۲ لیورپول مقابل استون ویلا در ماه اکتبر آدریان سن میگل را در مرکز طوفان قرار داد. دروازه بان اسپانیایی در آن روز جانشین آلیسون مصدوم شده بود. با وجود این که یورگن کلوپ تمام تیم را مقصر عنوان کرد اما همچنان دروازه بان اسپانیایی در راس این شکست قرار داشت. در این دیدار هت تریک اولی واتکینس، قهرمان لیگ قهرمانان را از هم گسست. جشنواره گل استون ویلا چهار گل دیگر داشت و دبل محمد صلاح تنها از بزرگی این شکست کمی کم کرد.

منچستر سیتی ۲-۵ لستر سیتی

این فصل برای سیتی پپ گواردیولا آسان

با گلزنی گنابری در دقیقه چهار شروع شد، بازیکنی که توانست یک هت تریک به نام خود ثبت کند. نوبت به گروتسکا رسید و در ادامه کاپاک، لواندوفسکی را در محوطه جریمه متوقف کرد. مهاجم لهستانی سومین گل را از روی نقطه پنالتی به ثمر رساند. برای ششمین فصل گلزنی می کرد. این بازیکن در شروع فصل گلزنی می کرد. مولر و سانه در نیمه دوم دروازه شالکه را باز کردند و موسیلا بزرگترین پیروزی یک تیم در شروع فصل بوندسلیگا را تکمیل کرد.

بارسلونا ۲-۸ بایرن مونیخ

به نظر می رسد بدتر از آنفیلد و رم وجود نداشته باشد اما بارسلونا آن را تجربه کرد. اگر این تیم یک سقوط را برابر لیورپول پس از پیروزی ۳ بر صفر در بازی رفت تجربه کرد برابر بایرن از ابتدا تحت فشار قرار گرفته بود و در نیم ساعت با شکست ۴ بر یک روبرو شد. احتمال سنگین تر شدن این شکست وجود داشت و در پایان نتیجه ۸ بر ۲ به ثبت رسید. اثر این تحقیر هنوز هم در بارسا باقی مانده است. اولین

برخی از تیم های بزرگ در سال ۲۰۲۰ شکست های سنگینی را تجربه کردند و تحقیر شدند.

در سال عجیب ۲۰۲۰ نتایج دور از انتظاری هم رقم خوردند، شکست های تحقیر آمیز از جمله آن ها بود که برای نخستین بار در تاریخ یک تیم اتفاق می افتاد یا دوباره پس از سال ها چنین کابوسی برایشان تکرار می شد. در ادامه به سنگین ترین شکست های سالی که گذشت اشاره می شود.

هافنهایم ۴-۱ بایرن مونیخ

نخستین شکست قهرمان لیگ قهرمانان اروپا در سپتامبر مقابل هوفنهایم رقم خورد که با یک گلباران همراه شد. تیم تحت هدایت سباستین هوینس، یک رونوشت از تاکتیک سویا در سوپر جام اروپا برابر بایرن ارائه داد. این تیم که همیشه به دفاع منسجم و جنگنده در دوئل ها معروف است در میانه میدان شروع به توپ ربایی کرد تا کراماریچ و دابور را در عمق پیدا کند. بایرن بدون لواندوفسکی و گروتسکا مانند همیشه عمل نکرد و بهایش را پرداخت. ضربه بیکارچیچ و دابور نتیجه را در عرض هشت دقیقه ۲ بر صفر کردند و کیمیش پیش از پایان نیمه اول اختلاف را به حداقل رساند. حتی با حضور لووی و گروتسکا هوفنهایم توانست ریتم خود را تا پایان تا بالاترین سطح حفظ کند. این تیم با ضربه کراماریچ نتیجه را ۳ بر یک کرد. نتیجه بازی مشخص شده بود اما هوفنهایم خواهان گل های بیشتری بود که این اتفاق رخ داد. نویر، ببو را در محوطه جریمه سرنگون کرد و کراماریچ با گلزنی از روی نقطه پنالتی دبل کرد.

بایرن مونیخ ۸-۰ شالکه

بایرن فصل را همانطور شروع کرد که به پایان رساند و حریفانش را یکی پس از دیگری سرنگون کرد. باورابایی ها شالکه را با هشت گل تحقیر کردند. جشنواره گل

اعتراف ستاره اسنوکر جهان:

ترامپ یکی از حریفان سرسخت من است

رونی آ سالیوان می گوید که جاد ترامپ یکی از حریفان سرسخت او در دنیای اسنوکر است. قرار است مسابقات اسنوکر مسترز ۲۰۲۱ با حضور ۱۶ بازیکن برتر جهان برگزار شود که در این مسابقات چهره هایی مانند رونی آ سالیوان نفر سوم جهان و جاد ترامپ نفر اول رنکنینگ جهانی دیده می شود. همچنین نیل رابرتسون هم به عنوان رنکنینگ دوم جهان در این مسابقات به مصاف حریفان خواهد رفت.

مجموع جوایز این رقابت ها ۷۲۵ هزار پوند خواهد بود که نفر اول این رقابت ها ۲۵۰ هزار پوند به جیب خواهد زد. به دلیل شیوع کرونا این رقابت ها در مارشال آرنا و پشت در های بسته کار خود را آغاز خواهد کرد.

رونی آ سالیوان ستاره اسنوکر جهان در جدیدترین مصاحبه خود اعتراف کرده که جاد ترامپ یکی از سه حریف سرسخت او است. رونی پیش از مسابقات مسترز ۲۰۲۱ جاد ترامپ را ستایش کرده و او را در کنار استیون هندری و جان هیگینز به عنوان یکی از سخت ترین حریفان خود قرار داده است. این رقابت ها در حالی آغاز می شود که ترامپ در شش دیدار گذشته خود با آ سالیوان به پنج پیروزی رسیده است.

رکورد سریع لواندوفسکی؛ خیز دوباره برای کفش طلا



ابتدا روبرت لواندوفسکی در دقیقه ۲۰ بود که از روی نقطه پنالتی گلزنی کرد و سپس لئون گورتزکا توانست فاصله را دو برابر کند. به نظر می رسد همه چیز برای یک برد راحت مهیاست ولی گلاباخ توانست سه گل به قهرمان اروپا بزند و با یک کامبک باشکوه میدان را ترک کند. با گلزنی لواندوفسکی حالا این مهاجم لهستانی تنها بازیکن در میان ۵ لیگ معتبر اروپایی است که توانسته در فصل جاری ۲۰ گل به ثمر برساند. او با گلی که به ثمر رساند، تعداد گل هایش را در فصل جاری بوندسلیگا به عدد ۲۰ رساند تا با اقتدار در صدر جدول بهترین گلزنان قرار گیرد.

این مهاجم سرشناس همچنین برای ششمین فصل پیاپی توانست در بوندسلیگا ۲۰ گل یا بیشتر به ثمر برساند و به نظر مدعی شماره یک کسب کفش طلای ۲۰۲۱ است. او فصل گذشته قافیه را به پیرو ایموبیله ستاره لاتزیو باخت.

روبرت لواندوفسکی زودتر از هر مهاجمی در میان ۵ لیگ معتبر اروپا به رکورد ۲۰ گل زده در بازی های لیگ رسید.

بایرن مونیخ جمعه شب در بوروسیا پارک به مصاف میزبانانش گلاباخ رفت و در حالی که ابتدا با دو گل پیش افتاده بود، در نهایت بازنده شد. بایرن در هشت بازی قبلی خود همواره ابتدا از حریفش عقب می افتاد ولی در ادامه نتیجه را با برد عوض می کرد اما این بار همه چیز برعکس شد.

دست بسته پیرلو؛ بحران کرونا و مصدومیت در یووه



یوونتوس در بازی امروز برابر ساسوئولو به خصوص در خط دفاعی با معضل روبرو است.

یوونتوس امشب باید در چارچوب رقابت های سری آ ایتالیا از ساسوئولو در تورین میزبانی کند. شرایط البته برای آندره آ پیرلو سرمربی یووه چندان مساعد نیست. او با بحران مصدومیت و بیماری مدافعانش روبرو است. روز جمعه اعلام شد ماتایس دی لیخت به کرونا مبتلا شده و با توجه به این مسئله نمی تواند در لیست یوونتوس حضور پیدا کند. دی لیخت تنها کروناوی تیم یوونتوس نیست و پیشتر در این هفته اعلام شده بود الکس ساندرو و خوان کواردادو هم به کرونا مبتلا شده اند.

این ۲ بازیکن در دیدار مقابل میلان حضور نیافتند و حالا با توجه به کروناوی دی لیخت، پیرلو برای انتخاب بازیکنانش جهت حضور در دیدار مقابل ساسوئولو دچار مشکل شده است. دی لیخت در دیدارهایی ابتدایی فصل از ناحیه شانه دچار مشکل شده بود اما

به مرور به فرم خوب خود برگشت و در جریان برد مقابل میلان هم بازی کرد. توتو اسپورت در این زمینه نوشته است که دی لیخت حداقل تا ۱۷ جنوری (۸ روز دیگر) در بازی های یوونتوس حضو پیدا نخواهد کرد. به این ترتیب پیرلو برای دیدار مقابل ساسوئولو باید از بین دانیلو، فرابوتا، بونوچی، کیهلینی ناماده، دمیرال و دراگوسین بازیکنان خط دفاعی اش را انتخاب کند. تنها خوش شانسی پیرلو این است که دومنیکو براردی، ستاره ساسوئولو در این بازی حضور ندارد.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۴۰۰۰ افغانی

۷۰۰۰ افغانی

شش ماهه

یک ساله

قیمت: ۲۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.



یک حبس ابد خانگی

اگر به جای من دختری در روستای دورافتاده‌ای در لوگر می‌بودید چه می‌کردید؟

قریه‌ی کوچک‌مان، در قریه‌ی مجاور رفتیم. در شب عروسی یک تماسی اضطراری دریافت کردیم که حاوی خبر ناخوشی بود. شبانه راهی خانه شدیم. وقتی خانه رسیدیم، روی صفه‌ی خانه با جنازه‌ی کاکایم جعفر رو به رو شدیم. جان جعفر را یکی از راکت‌های کور طالبان گرفت بود. راکت‌هایی که هفته دو سه بار از سمت «شیندند» به قصد تخریب مکتبی که در نزدیکی خانه ما است، شلیک می‌شود. راکت در وسط حیاط خانه‌ی ما اصابت کرده بود. آن روز در خانه فقط جعفر و خواهر کوچک‌ترم ویدا که برای مواظبت از خانه به عروسی نرفته بودند، حضور داشتند. خواهرم به‌طور سطحی زخم برداشته بود و کاکایم ده دقیقه بعد از زخمی‌شدنش جان داده بود.

بعد از کشته‌شدن جعفر من تنها شدم. او تنها کسی بود که با من رابطه خوب و صمیمی داشت. از دست‌دادن او روی زندگی من خیلی تاثیر گذاشت. به‌طور نمونه من نمی‌توانم از پدرم پول بخواهم. تا حالا هیچ وقت هم پول نخواستام. رابطه‌ی من با پدرم از کودکی تا حالا خوب نبوده است. به‌جای او همیشه کاکایم مرا کمک کرده است. او فقط ۲۲ سال داشت و تا صنف نهم درس خوانده بود. معمولاً روی زمین‌های زراعتی کار می‌کرد و حاصلات آن را برای فروش به شهر می‌برد. برخلاف تمام مردان خانواده او به کار کسی کار نداشت. همیشه می‌گفت «زندگی خود را بکنید ولی فقط آبرو و عزت خود را نگهدارید». قبرش با خانه‌ی ما فاصله‌ی زیادی ندارد اما تا حالا فقط سه بار شده که سر قبرش رفته‌ام. وقتی دلتنگش می‌شوم، می‌روم پشت بام، در گوشه‌ای رو به قبرش می‌نشینم و گریه می‌کنم. در لوگر بیرون‌رفتن از خانه بدون همراه مرد برای زنان امکان پذیر نیست. حتی اگر تمام عرف و سنت‌های اجتماعی قریه را نادیده بگیریم، همین که از خانه بیرون شویم یکبار هر سوه‌کله‌ی طالبان پیدا می‌شود. زنان بدون همراه حتا اجازه‌ی رفتن به کلینک را هم ندارند. در منطقه‌ی ما معمولاً هفته‌ی یک بار بین طالبان و نیروهای دولتی جنگ و درگیری می‌شود. روزانه نیروهای دولتی منطقه را تحت کنترل دارند و شبانه گروه طالبان.

بعد از کشته‌شدن کاکایم، دیگر در لوگر هیچ دوست و هم‌صحبتی ندارم. در کل زندگی‌ام فقط یک دوست دارم که در کابل زندگی می‌کند. لیدا ۲۳ سال دارد و دوست کودکی من است. یک روز که پدرم مرا می‌زد، او جلوی ایستاد و به جای من کتک خورد. روزهای زیادی از پشت تلفن با هم قصه و درد دل می‌کنیم. معمولاً تمام روزمره‌گی‌ها، مشکلات، ترس‌ها، نگرانی‌ها و دلخوری‌های خود را با یکدیگر قصه می‌کنیم. هر روز هر مساله‌ای که برای ما اتفاق بیفتد با تمام جزئیاتش به همدیگر تعریف می‌کنیم. حتا یک حرف بسیار کوچک، دغدغه‌های روزمره‌ی یلدا معمولاً دعوایم با برادرش، کل کل‌های خانم برادرش است و دلتنگی‌های خودش که تمامی ندارد. البته شرایط او قدری نسبت خوانده و در خانواده‌ای با محدودیت‌های کمتر زندگی می‌کند. معمولاً سال یک بار می‌توانیم همدیگر را ببینیم. گاهی او با خانواده‌اش به لوگر می‌آید و گاهی هم من با اعضای خانواده برای امری به کابل می‌روم.

زندگی من همین‌قدر خالی و همین‌قدر زجرآور است. حتا اگر صلح هم بیاید و افغانستان آرام شود، دامنه‌ی این صلح در خانه و جایی که من زندگی می‌کنم، هیچ وقت نمی‌رسد.



بهرتر باز است؛ امیدوارند اگر روزی ازدواج کنند، از این زندان رهایی می‌یابند، ولی این قضیه برای زنان لوگری و به‌ویژه من کاملاً فرق می‌کند. ما اگر ازدواج هم کنیم، به‌دست یکی بدتر و شرایط سخت‌گیرانه‌تر می‌افتیم، زیرا هیچ دختری این‌جا حق انتخاب ندارد. شخصاً پدر خودم مرا اجازه نمی‌دهد با کسی که دوستش دارم ازدواج کنم و ایضا دیگران. در منطقه‌ی ما رسم است که پدرها دختران‌شان را فقط به مردان هم‌قبیله به زنی می‌دهند. هیچ شانس وجود ندارد که دختری بتواند با مردی از قبیله‌ی دیگر و از جای دیگر ازدواج کند. معمولاً وقتی نوزاد دختر متولد می‌شود او را به نام کسی نامزد می‌کنند. به‌همین خاطر اکثر دختران زیر سن ۱۸ سالگی عروسی می‌کنند.

در منطقه‌ی ما یک مکتب متوسطه وجود دارد. حدود ۴۰ درصد دختران می‌توانند مکتب بروند. وقتی به سن چهارده، پانزده سالگی برسند، طالبان و خانواده‌های‌شان دیگر اجازه‌ی درس‌خواندن نمی‌دهند، چون فکر می‌کنند دیگر به‌اندازه‌ی کافی بزرگ شده‌اند و درس خواندن‌شان خوبیت ندارد.

داستان زندگی زنان لوگری و به‌ویژه زنان قریه‌ی ما، همه شبیه هم است. خیلی کم زنان خوشبخت پیدا می‌شود که پدر و برادر حامی و همراه‌شان باشد. در اکثر موارد همه‌ی مان در تمام زندگی زجر می‌بینیم. من تا حالا پنج بار شده که خواسته‌ام خودم را از این زجر ناتمام آزاد کنم. پنج بار مرگ‌موش و تابلیت خورده‌ام، اما هر بار از شانس بدم کارگر نیفتاده است. فقط یک بارش که تابلیت زیاد خورده بودم، مرا به کلینک محل برده بودند که یک روز تمام بی‌هوش مانده بودم. وقتی سرحال آمدم و مرا در خانه آوردند، پدرم مرا آن‌قدر زد که سرم پاره شد. گفت تو با این کارهایت آبروی ما را در بین مردم قریه می‌ریزی. از این لحاظ شاید حق با پدرم بود ولی وقتی از آدمی تمام امید و آرزوهایش را بگیرند، چطور زندگی کند. من بزرگ‌ترین آرزویم این بود که روزی قهرمان جهان شوم؛ درس و دانشگاهم را بخوانم و خبرنگار شوم. اما تمام این آرزوهایم را خاک کردند و دیگر هیچ آرزو و دل‌خوشی ندارم که برای آن زندگی کنم. دیگر فکر می‌کنم آخروعاقبت من حبس است، یک حبس ابد خانگی.

طالبان

همین سه ماه پیش بود که با خانواده برای اشتراک در محفل عروسی یکی از اقوام از

جمعه حدود هفت سال می‌شود که با خانواده‌ام در خوشی لوگر زندگی می‌کنم. در فاصله‌ی حدوداً ۳۵ دقیقه‌ای پل علم مرکز این ولایت، در دهکده‌ای نه خیلی کوچک و نه خیلی هم بزرگ، محصور در کوه‌های بلند و پست. پیش از زندگی در لوگر، در قلعه‌ی زمان خان کابل در خانه‌ای کرایه‌ی زندگی می‌کردیم و پیش از کابل، در بلوچستان پاکستان مهاجر بودیم. زندگی در خانه‌ی کرایه‌ی و خرج و مخارج بلند زندگی در کابل برای خانواده‌ام دیگر سخت شده بود. تنها راه ممکن برای ما، برگشت به لوگر بود، جایی که جد و آبادم آن‌جا چندین نسل زندگی کرده بودند. جایی که ما زندگی می‌کنیم، اسمش خوشی است ولی حقیقتاً هیچ کدامان خوش نیستیم. حداقل در خصوص زنان این کلمه را با اطمینان بیشتر می‌توانم بگویم. زندگی در کابل برای من تنوع و رنگارنگی جامعه را آموخته بود ولی در لوگر، با یک دستی مواجه‌ایم؛ وضعیت سیاهی که زنان را به موجودات درون‌خانه‌ای کرده است. این‌جا قانون نانوشته اما سفت‌وسختی وجود دارد که براساس آن هیچ زنی حق ندارد از چاردیواری خانه فراتر برود. از صبح تا شب با کارهای ناتمام و تکراری بختن، شستن و رفتن مصروفیم. حق مان از سیروسیاحت و تعطیلات فقط سال یکی دوبار رفتن به خانه‌ی خویش و قوم بسیار نزدیک است. در کنار این، نوعی از بدگمانی و فضای خشک و غیرقابل انعطاف در روابط اجتماعی این‌جا حاکم است که شامل مردان نزدیک خانواده هم می‌شود. به‌طور نمونه یک دختر نمی‌تواند با کاکا، ماما، پسرکاکا یا پسرمامای خود بنشیند و صحبت کند. تنها جایی دورتر از خانه که می‌توانیم حال‌وهوای خود را عوض کنیم و دلتنگی خود را رفع کنیم، پشت بام خانه‌ی ما هست. البته آن هم قواعد خاص خود را دارد که اگر زنی آن را مو به مو رعایت نکند، برایش دردسر درست می‌شود؛ وقتی زنی پشت بام خانه خود بالا می‌شود باید در زاویه‌ای جا بگیرد که مردی از مردان خانه و به‌ویژه مردان دیگر او را نبیند. من وقتی دلم می‌گیرد، همیشه پشت بام می‌روم و در گوشه‌ای می‌نشینم که در دید نباشم و با خود گریه می‌کنم. این‌طوری کمی سبک می‌شوم.

خیلی از دختران که در خانواده‌های سخت‌گیر و سنتی زندگی می‌کنند و یا با شرایط و محدودیت‌های نفس‌گیر اجتماعی دست به گریبانند، در تل‌شان روزنه‌ای رو به فردای

یک گناه بزرگ و ناخوشیدنی شده‌ام. تمام روز در خانه تنها بودم. تنها یعنی هیچ کسی با من حرف نمی‌زد. شب و روز این پنج سال را با خود گریه می‌کردم. روانی شده بودم. شب‌ها با خود حرف می‌زدم. گاهی مادرم موقع گریه‌کردنم می‌آمد کنارم می‌نشست و می‌گفت: «خودت کردی، من که نگفتم از این کارها بکن.» چندین بار تلاش کردم که با پدرم حرف بزنم و قانعش کنم که این حصر خانگی را بشکند. استدلال می‌کردم که من کار غیراخلاقی نمی‌کنم؛ در یک باشگاه زنانه با چادر و لباس بلند تمرین می‌کنم؛ چشم هیچ بیگانگی به من نمی‌افتد؛ همه‌ی دختران هم‌سن‌وسال من هستند. در جواب فقط دو جمله‌ی کوتاه می‌گفت: «نه، لازم نیست. بنشین در خانه.»

حتا به من فشار آوردند که ازدواج کنم. فکر می‌کردند با ازدواج هم سرکشی‌های من تمام می‌شود و هم از احساس نگرانی و ترس آن‌ها از به خطر افتادن ننگ و آبروی‌شان در محله، کاسته می‌شود. من اما زیر بار نرفتم. در مقابل همه‌ی‌شان ایستادم و گفتم اگر مرا به کسی بدهید، در وسط مراسم وارد می‌شوم، هم دهن طرف را می‌شکنم و هم تمام آنچه را بر من رفته به همه می‌گویم. سرانجام این ازدواج اجباری از سر من رد شد و خواهر کوچکم را خلاف میلش دادند.

در کنار این نگویند بختی‌ها، یک حامی دلسوز داشتم که پیگیرانه برای آزادی من مبارزه می‌کرد. جعفر، کاکایم هم‌سن‌وسال خودم بود و یگانه عضو خانواده که با من نزدیک و صمیمی بود. او با پدر و برادرم همیشه حرف می‌زد تا آن‌ها را راضی کند که من از این وضعیت نجات یابم، حداقل حق رفتن به مکتب را داشته باشم. بلاخره کاکایم موفق شد که اجازه بگیرد اما نه آن چیزی که من می‌خواستم؛ دیگر اجازه‌ی ورزش کردن را نداشتیم. من که از صنف سوم تا صنف ششم ورزش می‌کردم، بعد از پنج سال حبس خانگی قرار شد دوباره روی صندلی صنف هفتم بنشینم و فقط درسم را ادامه بدهم. وقتی مکتب رفتم، متوجه شدم که دیگر من آن آدم پنج سال پیش نیستم. دیگر با کتاب و کلمات و صنف و صندلی بیگانه بودم و نمی‌توانستم با آن رابطه برقرار کنم. انگار یک گسست غیرقابل پیوند رقم خورده بود. با همین وضع دو سال دیگر مکتب رفتم، اما دیگر نه مغزم می‌کشید و نه حوصله و انگیزه‌ی درس‌خواندن داشتم. روی همین ملحوظ من و مکتب برای همیشه خداحافظی کردیم.

عابر شایگان گزارشگر

اشاره: این یک داستان واقعی است که گزارشگر با زاویه‌ی دید اول شخص روایت کرده است. نمی‌دانم شما کجا زندگی می‌کنید، چطور زندگی می‌کنید و غصه‌های زندگی‌تان را با چه دل‌خوشی‌هایی تسکین می‌دهید. هر جایی که هستید، می‌خواهم شما را تا پایان این نوشته، با خودم به لوگر بیاورم؛ ولایتی در ۶۵ کیلومتری جنوب کابل، زادگاه من، محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهوری افغانستان و معصوم استانکزی، رئیس هیأت مذاکره‌کننده‌ی دولت افغانستان با طالبان. من یک دختر ۲۱ ساله‌ی بدون امید و آرزو هستم که از بام تا شام در زندانی که خانواده، جامعه و طالبان برایم ساخته‌اند، برای خود طلب مرگ می‌کنم.

خانواده

اوایل حکومت حامد کرزی از بلوچستان پاکستان به کابل کوچیدیم. من آن‌زمان دختر کوچکی بودم و تازه مکتب می‌رفتم. در مکتب بود که به‌واسطه دوستانم، پایم به یک باشگاه تکواندو کوچک زنانه باز شد. سه سال تمام به بهانه‌ی رفتن به کلاس آموزش قرآن، مخفیانه به باشگاه می‌رفتم و تمام انرژی نوجوانی‌ام را عرق می‌ریختم. دوستی داشتم که همیشه برایم می‌گفت: «دختر، خوب تمرین کن. تو خیلی با استعدادی.»

این جمله‌ی او همیشه آویزه‌ی گوشم بود. من آن‌قدر به تکواندو وابسته شده بودم که گاهی از درس و مکتبم هم برای تمرین بیشتر می‌زدم. بلاخره بعد از سه سال تمرین، استادم کمر بند سیاه را دور کمرم بست. در روزهای که در شوق و ذوق به‌دست‌آوردن بالاترین رتبه‌ی تکواندو فاصله خانه تا باشگاه را قدم می‌زدم، اتفاق ناخوشایندی برایم افتاد که تمام زندگی‌ام تحت تاثیر بد آن قرار گرفت. یک روز که وارد باشگاه شدم، با دیدن خواهر کوچک‌ترم، یکباره زمین زیر پایم لرزید. او رو به من با لحن هشدارآمیزی گفت: «خانه بیا، کارات دارم. حالا فهمیدم که تو چه کار می‌کنی.»

تصورش می‌کردم که پدر و برادر چه بلایی سرم خواهند آورد. با هزار ترس و لرز به خانه رفتم ولی خلاف انتظار من، همه چیز سر جای خودش بود و اهالی خانه آرام و از دنیا بی‌خبر. ته دلم خیلی خوشحال شدم که خواهرم در حقم خواهری کرده است. صبح فردای آن‌روز دوباره بی‌سروصدا به باشگاه رفتم. فکر می‌کردم دنیا آرام است و زندگی طبق روال گذشته بدون دردسر خاصی به جلو می‌لغزد. فکر نمی‌کردم که این بار ممکن است در تله برادر بیافتم. او مرا اول صبح که از خانه بیرون شده بودم، پایاپای تعقیب کرده بود. وقتی وارد باشگاه شدم، برادر هم سر رسید. بدون جمله‌ی اضافی مرا با خشم به خانه برد. در خانه که رسیدیم، چنگ انداخت به موهایم. آن‌قدر ضرب و شتمم کرد و موهایم را کشید که دستم‌دسته‌کننده شد. بعد لباس تکواندویم را با قیچی تکه تکه کرد. مدال‌هایم را آتش زد و بعد گفت: «حالا برو تکواندو کار کن.»

همه‌اش این نبود. پدر که خبر شد دخترش پا از گلیم سنت، عرف و ارزش‌های خانواده فراتر گذاشته، تصمیم قطعی گرفت که به‌زعم خودش این پادزازی‌های مرا برای همیشه کوتاه کند. به همه دستور داد که نگذارند حتا پایم را از چارچوب دروازه‌ی خانه بیرون بگذارم. مکتب، آموزشگاه، باشگاه و بیرون‌رفتن‌ها برای من کاملاً ممنوع شد. پنج سال تمام در خانه در حبس بودم. تمام اعضای خانواده با من رفتار خوبی نداشتند، چون فکر می‌کردند که من مرتکب